

بیاد شهید دکتر سید حسین فاطمی

بمناسبت چهل و یکمین سالگرد شهادت

محمد ترکمان



بیاد شهید

دکتر سید حسین فاطمی

بمناسبت چهل و یکمین سالگرد شهادت

محمد ترکمان

نشر هزاران

کتابخانه مصدق t.me/ket1332

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	بیاد شهید دکتر سید حسین فاطمی
۱۲	مبارزی پایدار و سازش ناپذیر
۲۱	گزارش رئیس کل شهربانی به فروغی
۲۲	سخنان دکتر فاطمی در اجتماع دفاع از کشمیر
۲۴	مصطفی مخبر روزنامه خراسان با حاجی شیخ غلامحسین تبریزی
۲۷	نامه مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی به دکتر فاطمی
۲۸	نامه دکتر فاطمی به ریاست مجلس شورای ملی
۲۸	گواهی پزشک معالج دکتر فاطمی
۲۹	تحقیق از همسر دکتر فاطمی
۳۰	بازجویی از محمد باقر درودیان
۳۲	گزارش کفیل کنسولگری ایران در بغداد به دکتر فاطمی
۳۳	نامه دکتر فاطمی از مخفیگاه نهضت مقاومت ملی ایران
۳۶	مسوده جواب کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی به نامه دکتر فاطمی
۳۶	قسمتی از صورت جلسه فرمانداری نظامی پس از دستگیری دکتر فاطمی
۳۸	رونوشت خواهر فداکار دکتر فاطمی به دادستان ارش
۳۸	جواب ستاد ارش به بهداری ارش
۳۹	نامه رئیس ستاد ارش به دادستان ارش
۴۰	نامه بهداری ارش به رئیس ستاد ارش

- ۴۰ رونوشت نامه اداره بهداری ارتش به ستاد ارتش
- ۴۱ ابلاغ دستور شاه به وزیر دفاع
- ۴۲ نامه آزموده به وزیر دفاع
- ۴۳ قسمتی از گزارش محترمانه آزموده به ...
- ۴۴ جواب ریاست ستاد ارتش به آزموده
- ۴۴ گزارش شرفعرض آزموده و دستور شاه در حاشیه خاطرات آیة الله زنجانی درباره دکتر فاطمی
- ۵۱ متن دستخط رهبر نهضت ملی در تجلیل از شهید راه استقلال
- ۵۲ عکس شهید فاطمی وزیر خارجه در حرم سید الشهداء(ع)
- ۵۲ عکس شهید فاطمی پس از دستگیری (اسفند ۱۳۳۲)
- ۵۳ تصویر گزارش رئیس کل شهریانی به فروغی
- ۵۴ تصویر گزارش سخنان دکتر فاطمی در اجتماع دفاع از کشمیر
- ۵۵ تصویر نامه آیت الله کاشانی و بهبهانی به رئیس مجلس
- ۵۶ تصویر تلگراف شهید فاطمی از طرف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی
- ۵۷ تصویر نامه دکتر فاطمی به ریاست مجلس
- ۵۸ و ۵۹ تصویر نامه دکتر فاطمی از مخفی‌گاه به نهضت مقاومت ملی ایران
- ۶۰ تصویر مسوده جواب کمیته مرکزی نهضت مقاومت به نامه دکتر فاطمی
- ۶۱ تصویر گزارش شرفعرضی آزموده و دستور شاه در حاشیه
- ۶۲ تصویر پاسخ شهید فاطمی از طرف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی
- ۶۳ نخستین صور تجلیسه بنیانگذاری مسجد هامبورگ با حضور شهید فاطمی
- ۶۴ تصویر صور تجلیسه بنیانگذاری مسجد هامبورگ با حضور شهید فاطمی

مقدمه^(۱)

«یاد» و «ذکر» خدمتگزاران علم و فضیلت و فرهنگ و استقلال میهن و آزادی و بهزیستی مردم، حداقل دینی است که در برابر جد و جهد و فداکاری و جانفشنای آن بزرگان می‌توان بجا آورد. جوامعی که «یاد» خدمتگزاران را زنده می‌دارند و از آنان «تجلیل» می‌کنند، از سویی بر حفظ هویت خود پای فشرده، تداوم و استمرار تاریخ خود و تمدنی را که دربستر آن بنانهاده‌اند، پاس داشته و از سوی دیگر طلایه‌داران طریق حیات را شناسانده و از سقوط جامعه در ودای پوچی و ابتذال و بی‌هویتی و پیروی از الگوهای غیر متعالی و ارزش‌های دروغین ممانعت به عمل می‌آورند.

از چنین منظری نگاه به مسئله «یاد»، نه تنها توقف در «گذشته» نیست، بلکه سخن از حال و آینده و چگونگی بنای آن است.

راقم این سطور از سالها پیش در حد بضاعت مزاجات بر خود فرض دانسته است از نمایندگان خط اصلاح طلب در تاریخ دو سده گذشته ایران مسمی به تاریخ معاصر، شهیدان مبارزه با سلطه استعماری میهن: میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیرکبیر و زندانی و تبعیدی سالیان دراز دکتر محمد مصدق و رهروان راه آنان که با تکیه بر پشتوانه عظیم فرهنگی و معرفتی خود، استقلال میهن و بهروزی مردم آن را سرلوحة برنامه خود قرار داده بودند، در هر فرصتی «یاد» کرده و خاطره آنان را گرامی بدارد.

از جمله رهروان این خط، سیدالشهداء نهضت ملی ایران دکتر سید حسین فاطمی است. آن شهید به شرح استنادی که در بی خواهد آمد واقف بر ماهیت نظام سلطه‌گر حاکم بر کشور و منطقه و مهره‌های آن بود و در راه تضعیف و براندازی آن نظام و رهایی میهن و مردمان آن از هیچ کوششی در حد توان فرونگذاشت و بهای سنگین آن را نیز با طیب خاطر پرداخت.

۱- این مقدمه با اندک اضافاتی در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۰ آبان ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است.

آنچه آن بزرگ را از چنین جایگاهی در تاریخ معاصر ایران برخوردار ساخت، افزون بر شناخت مذکور در فوق، که خود حاصل حرکت در طریق رهبران خط یاد شده بود، از: پیوند او با همیت و فرهنگ دینی و ملی، تقدم مصالح ملی بر هر مصلحت و غرض و هوس دیگر، استمرار در جهاد و در نغلطیدن در بیراهمهای نوع «غربی» و «شرقی» که - استعدادهای فراوانی از فرزندان این کشور و منطقه را در جستجوی آب به سراب کشانید -، نیز باید یاد کرد.

نبین او از نقش انگلیس در کودتا و واپسی دریار پهلوی چنانکه در نامه خود به نهضت مقاومت ملی ایران نوشته است، برگزاری بکی از اولین مراسم بزرگداشت شهید سید حسن مدرس اعلی‌الله مقامه - که خود جایگاهی والا در تاریخ خط اصلاح طلب دارد، در ایران و اولین آن در اصفهان بتاريخ ۲۲ آبان ۱۳۲۰ و دفاع از مسلمانان شبیه قاره هندوستان و عنایت مرجع تقلید متقد و انگلیس سبیز مرحوم آیة‌الله سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیة‌الله سید رضا زنجانی و کاشانی، و تأثیر پذیری شهید مطهری از نوشته‌های سیاسی آن مرحوم و کوشش‌های مرحوم آیة‌الله خادمی اصفهانی و حاج رحیم ارباب و ... برای جلوگیری از اجرای حکم صادر شده حکومت وابسته و ...، کوشش او در رفع نقارهای صفوی داخلی نهضت و دعوت به وحدت در برابر دشمن مشترک و کنارگذاردن خودخواهی‌ها، و فریفته نشدن او به وعده‌های پست مقام و ثروت در صورت دوری و مخالفت با رهبر نهضت و پایداری او در طریق مبارزه با تنی زخمدار و مجروح و بالاخره کارنامه عمر کوتاه اما پربار او گواه صادقی است بر آنچه در فوق آمد.

از اطالة کلام خودداری کرده و خوانندگان را به مطالعه متن - که خود تفصیل مطالب فوق است، فرامی‌خوانیم. آنچه در این مجموعه پیش روی دارد، گذشته از دو مقاله که نویسنده این سطور بیاد آن شهید در سالهای گذشته در جراید به چاپ رسانده است، اسنادی است که برخی از آنها برای اولین بار منتشر می‌شود و اینکه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد شهادتش تقدیم علاقمندان به استقلال کشور و بهروزی مردم آن می‌گردد.

آبان ۱۳۷۴

محمد ترکمان

بیاد شهید دکتر سید حسین فاطمی^(۱)

بمناسبت سی و یکمین سالگرد شهادت

دکتر سید حسین فاطمی پس از نیمروز عاشورای سال ۱۳۴۰ ه. ق، در خانواده‌ای از عالمان دینی شهر نائین دیده به جهان گشود. بمناسبت تولدش در روز عاشورا او را حسین نامیدند. پدرش آیت الله سید علی محمد سیف العلماء و مادرش دختر حجت‌الاسلام خادم بود. تحصیلات قدیمه را نزد پدر و سایر افراد خانواده فرا گرفت. برای گرفتن دپلم راهی اصفهان شد. در آن شهر همزمان با تحصیل، اقدام به انتشار مقالاتی در روزنامه «باختر» نمود. سپس برای تکمیل تحصیلات روانه اروپا شد و در نیمه اول ۱۳۲۷ به ایران بازگشت. پس از مراجعت، در نیمه اول ۱۳۲۸، روزنامه «باختر امروز» را در تهران منتشر کرد. در اسفند ۲۸، با تشکیل «جبهه ملی» به آن جریان پیوست.

دکتر فاطمی که از سالها پیش، لبه تیز قلمش را متوجه مبارزه و افشای حاکمیت بیگانگان سلطه‌گر بر کشور و عوامل بومی آنان، عربیان ساختن زشتی‌ها و پلشتهای اجتماعی، گسترش شعور اجتماعی، سیاسی اشاره و طبقات مردمی جامعه و همچنین اعتراض به عدم وجود آزادیهای اجتماعی و سیاسی نموده بود، با انتشار «باختر امروز» در دوران او جگیری مبارزات ضد شرکت غاصب نفت جنوب، و رشد جنبش استقلال طلبی و بازیابی هویت اسلامی- ایرانی مردم پنهانی گسترده برای تداوم و تکامل و توسعه مبارزات خود یافت.

از آغاز دوران نخست وزیری دکتر مصدق (دهم اردیبهشت ۱۳۳۰)، دکتر فاطمی در پست معاونت سیاسی و پارلمانی نخست وزیر مشغول بکار می‌گردد. تقبل این مسئولیت تا ۲۷ آذر همان سال، که دکتر فاطمی برای پیشبرد آرمانهای مقدس و انسانی نهضت، اقدام به شرکت در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی نمود، ادامه می‌یابد.

دکتر فاطمی در ۲۶ بهمن ۳۰، بهنگام سخنرانی بر مزار محمد مسعود، و تجلیل از آن روزنامه‌نگار مبارز، هدف گلوله نوجوان پانزده ساله‌ای بنام «مهدی عبدالخدائی» قرار گرفته و بشدت مجروح گردید.

تپویر نافرجام دکتر فاطمی، موجب ابراز خشم تمامی مبارزین آگاه ضد استعمار و حق طلب می‌گردد.

آیت الله کاشانی، با حضور خود در بیمارستان نجمیه و عبادت از دکتر فاطمی در ساعت ۷ صبح ۲۷ بهمن^(۱) و تکرار این عمل در ۱۴ اسفند ۳۰ و ۲۹ فروردین ۳۱، و همچنین اعلام و اظهار عدم توافق خود با این گونه اعمال که به زیان مردم مبارز کشور است در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه باخترا امروز و... مخالفت خود را با این عمل اعلام می‌دارد.

شهید خلیل طهماسبی ابتدا با ارسال مکتوب و سپس طی مصاحبه‌ای با روزنامه «باخترا امروز»^(۲) سوء قصد به جان دکتر فاطمی را محکوم می‌نماید. مرحوم آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی، پدر ضارب، که از علمای عامل و متلقی مقیم مشهد مقدس بودند، نیز با ارسال مکتوبی به دکتر فاطمی و درخواست انتشار آن در روزنامه «باخترا امروز» از جمله می‌نویسد:

«بجده‌ات زهرا قسم، از آن وقتی که این سانحه ناگوار بوقوع پیوسته، این کمترین در حرم مطهر شفاء آن عنصر پاک را مستلت می‌نمایم. امید که حضرت حق جلت عظمت، بواسطه شفاء آن بزرگوار چشمها مارا روشن و عیدی بما عنایت فرماید.»^(۳)

۱- «دھنواری (محمد)»، «مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیت الله کاشانی از مهرماه ۳۰ تا قیام ملی سی ام تیر ۱۳۳۱»، ت، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۱، جلد دوم، صفحه ۲۳۸.

۲- روزنامه «باخترا امروز» مورخه ۱۹ مرداد ۳۱، شماره ۸۸۲.

سوء قصد مذکور سبب آن می‌گردد که یکی از چهره‌های صمیمی، مبارز و پی‌گیر نهضت مدت ۸ ماه از لحظات حساس تاریخ کشور، تحت درمان قرار گرفته و از این‌ایفای نقش خود در رهایی مردم می‌باشد از سلطه جهانخواران و عوامل بومی آنان، آن چنانکه باید موفق نگردد و در باقیمانده حیات کوتاه ولی پرافتخارش تا شهادت نیز همواره از این درد و رنج، در عذاب والم باشد.

دکتر فاطمی در دوره هفدهم از سوی مردم مبارز و حق شناس تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده می‌شود و در مهر ماه ۳۱، از سوی دکتر مصدق به ریاست وزارت امور خارجه منصوب، و در سی ام مهر همان سال، بدستور نخست وزیر مسئول قطع روابط ایران با امپریالیسم محلی و مکار انگلیس می‌گردد.

دکتر فاطمی از جمله افرادی بود که ماهیت نظامهای جهانخوار و ساز و کار آنها را شناخته، و به درستی معتقد بود که بدون استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی بدست آمده توسط ملت‌های تحت سلطه تدوام نخواهد داشت، وهم از این روی بود که در ایامی که برخی از جریانات دولت را برای فروش نفت و تسليم به سیاست آمریکا جهت بدست آوردن مقداری ارز و ادامه زندگی مصرفی تحت فشار گذارده بودند، دکتر فاطمی از مشی و خط استقلال و قناعت نه در شعار، بلکه در عمل دفاع می‌کرد، و این چنین از سیاست عدم اتكاء بودجه کشور و نیازهای ضروری شهروندان به درآمد حاصله از فروش نفت پشتیبانی می‌نمود:

«سیاست اقتصاد بدون نفت به این منظور طرح ریزی شده است، تا در صورت حل نشدن دعوای نفت، ایران بتواند یک دوره طولانی از صرفه‌جوئی اقتصادی و پایداری در برابر مشکلات را پشت سر گذارد.

در اجرای این هدف، کلیه هزینه‌های غیر ضروری حذف می‌شود، سیستم جدید مالیاتی، بر حسب درآمد اصلاح می‌گردد، دستگاه دولت بنحوی اصلاح خواهد شد که با کمترین هزینه، بیشترین بازده را داشته باشد.»^(۱)

۳- روزنامه «باختیر امروز» مورخه ۱۴ فروردین ۳۱، شماره ۷۸۱.

۱- «شیفته (دکتر نصرالله)»، «زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی» ت، آفتاب حقیقت، ۶۴، صفحه ۲۲۸.
نیوجیان

موفقیت این سیاست در عمل بود که امپریالیست‌ها را بمحبت افکند، چون در روزگارنو استعماری آنچه بیش از همیشه منافع قدرتهای جهانخوار را تأمین می‌کند، نه استعمار به شیوه کهن بلکه تحمیل سیاست مصرف هر چه بیشتر و تداوم مبادلات نابرابر اقتصادی با کشورهای تحت سلطه می‌باشد و مهلكاترین ضربات برای سرمایه‌داران خون آشام غربی، واقعی ترین مبارزات ضد امپریالیستی، پایان بخشیدن به سیاست صدور مواد خام، و خرید کالاهای مصرفی، ووابستگی‌های پولی به آن قدرتهاست.

دکتر فاطمی در دوران خدمت در وزارت خارجه تحولات اساسی در جهت گیری سیاست خارجی ایران بوجود آورد. او علاوه بر قطع روابط با انگلستان، به گسترش روابط با کشورهای اسلامی، آسیایی و آفریقائی و پشتیبانی از مبارزات نهضتهای آزادی‌بخش و... نیز پرداخت.

دکتر فاطمی نه تنها علیرغم وعده و عدها، آلت دست قدرتهای استعماری و دربار برای شق عصای ملت نگشته، و اختلاف سلیقه‌ها و تضارب افکار را تبدیل به منازعه و مقابله ننمود، بلکه تمامی کوشش و جهد خود را برای وحدت هر چه بیشتر نیروهای مبارز بکار برد. دکتر فاطمی که به عواقب خانمان‌سوز درگیری و برخوردهای غیر اصولی در سطوح رهبری نهضت واقف بود، حداکثر توان خود را در ماههای پایانی سال ۳۱ برای التیام روابط دکتر مصدق و آیت الله کاشانی بکار برد، اما متاسفانه بدليل وسعت توطئه‌های نفاق افکنان و... توفیقی حاصل نکرد.

دکتر فاطمی در نیمه شب ۲۵ مرداد ۳۲ بدنیال کودتای عوامل اجنبی علیه حکومت ملی و قانونی، توسط گارد شاهنشاهی دستگیر، و محبوس و مورد آزار واقع گردید و صحنه‌گاه همان روز در پی شکست کودتا و فرار محمدرضا پهلوی از رامسر به بغداد، آزاد گردید.

دکتر فاطمی در همان روز با حضور در کاخ سعد آباد به لاک و مهر کاخهای سلطنتی پرداخت و سرمهقاله «با ختر امروز» ۲۶ مرداد را با عنوان «خائنی که می‌خواست وطن را بخاک و خون بکشد فرار کرد» تحریر و ماهیت وابسته و فساد انگیز دربار پهلوی و... را افشاء نمود.

دکتر فاطمی در پی کودتای آمریکائی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲ و شروع فصل نوبتی از کشتار و شکنجه و زندان و خفغان در تاریخ میهن، مخفی و مبارزه با رژیم کوچک و

اربابانش را در ابعاد جدیدی ادامه داد و بالاخره در تاریخ ۲۲ اسفند همان سال، توسط سرگرد مولوی با استفاده از اطلاعات سروان جلیلوند دستگیر گردید.
رژیم وابسته برای تقدیر از نامبردگان، در همان روز مولوی را به درجه سرهنگی و جلیلوند را بدرجه سرگردی ارتقا داد.

همانگونه که در سند ۱ و ۱۳۷۱ ر. ۴۵۸۴-۱ (وزارت بریتانیا)^(۱) تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ مهر) مشاهده می شود، اربابان انگلیسی شاه ماهها قبل از دستگیری دکتر فاطمی از «اعدام بی رحمانه» بعنوان «بهترین راه حل» برای حذف او بیاد کرده‌اند. پس از دستگیری دکتر فاطمی، تیمور بختیار، نصیری و علوی مقدم عوامل سرکوب رژیم شاه، با طرح نقشه‌ای شیطانی بر آن شدند تا به هنگام انتقال او از شهریانی فاطمی را به دست شعبان بی مخ و جمعی دیگر از بدکارهای هوادار شاه در تهران به شهادت برسانند. ولی این نقشه بعلت فداکاری خواهر شجاع دکتر فاطمی که خود را بر روی بدن برادر افکند، و ضربات کارد و خنجر را بر پیکر خود تحمل نمود، نتوانست از موقیت کامل و موردنظر رژیم برخوردار گردد.

پس از آن واقعه، دکتر فاطمی به بیمارستان منتقل، و در شرایطی که از آثار گلوله شلیک شده در ۲۶ بهمن ۳۰ و ضربات کاردها و خنجرهای وارده در ۲۲ اسفند ۳۲ رنج می‌برد و بعضی اوقات فشار خونش به ۶ و ضربان قلبش به ۳۵^(۲) می‌رسید، آنچنان که در سند مورخ ۱۹ تیر ۳۳^(۳) مشاهده می شود، بدستور محمد رضا شاه بازجویی، و در بیدادگاهی فرمایشی و سری محکوم به اعدام و در سحرگاه ۱۹ آبان ۳۳، با پیکری تبدار و بیمار، بدنیش آماج گلوله‌های نفتخواران جهان گشته و خون سرخ و مطهرش بر زمین زندان لشگر ۲ زرهی پاشید و روح پاکش در اعلى علیین در جوار رحمت حق در کنار اجداد طاهرینش ماوی گرفت.

شهید فاطمی در آخرین لحظات حیاتش خطاب به آزموده گفت:
«...مرگ حق است، و من از مرگ باکی ندارم، آن هم چنین مرگ پرافخاری، من قربانی

۱- «وودهاوس (سی. ام) «عملیات چکمه»، ترجمه فرجناز شکوری، ت، نشرنو، ۶۴، صفحه ۵۵.

۲- «روزنامه کیهان»، مورخه ۱۶ فروردین ۱۳۳۳.

۳- استاد کودنای انگلیسی- آمریکانی و ارجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

نفت هستم، من می‌بیم که نسل جوان ایران از این مرگ در مس عبرت گرفته، و با خون خود از وطنش دفاع کرده و نگذارد جاسوسان اجنبی براین کشور حکومت نمایند، من درهای سفارت انگلیس را بستم، غافل از این که تا دریار هست انگلستان سفارت لازم ندارد...»^(۱) شهید دکتر فاطمی پس از امضای وصیت‌نامه و درخواست دفن در کنار مزار شهدای قیام سی ام تیر، با کمال خضوع و خشوع مراسم مذهبی را بجای آورد، و به قاضی عسگر گفت: سعادت من این است که مانند جد بزرگوارم که فرموده «الموت اولی من رکوب العار» من هم در راه حق و حقیقت به دست بختیار (عمر سعد) و آزموده (شعر) به امر شاه (یزید زمان) شهید می‌شوم. سپس کلام الله مجید را بوسیله و کمی از تربیت حضرت سید الشهداء را در دهان گذارده بسجده افتاد، و خدا را شکر کرد که به سعادت شهادت نائل می‌شود، و برای فرزندان و برادران و خواهر و دوستانش دعا کرد.^(۲)

سعدها مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

مبارزی پایدار و سازش ناپذیر^(۳)

بمناسبت چهلمین سالگرد شهادت دکتر سید حسین فاطمی

«لندن که یکصد و پنجاه سال است در شرق ناج می‌دهد و ناج می‌ستاند، سلسله منقرض می‌کند، دودمان پادشاهی می‌سازد، خرابه‌نشین را به کاخ سلطنتی می‌کشand و دوستان ملت‌ها را به خاک سیاه می‌نشاند، چند سال است از قیام مردم ما سخت رنج می‌بردونه تنها جزیره آبادان و خاک زرخیز خوزستان و نفوذ در نام کشور بهناور ایران را

۱- «مجموعه مقالات دکتر سید حسین فاطمی شهید نهضت ملی ایران در باخت امروز» گردآوری و تنظیم از: «استقلال»، پاریس، انتشارات مدرس (۵)، ۲۶ دی ۱۳۵۷ صفحه دوازده.

۲- «همانجا»، صفحات پانزده و شانزده.

۳- روزنامه اطلاعات؛ مورخه ۱۹ آبان ۱۳۷۳.

از دست داده، بلکه رستاخیز ملی ماسرچشم و منشاء قیامهایی شده که تمام شرق میانه و آفریقا را زیر نفوذ معجزه آسای خویش گرفته و قدرت خدایان نفت را آنچنان در هم شکسته که تاریخ امپراطوری «ملکه الیزابت» یک چنین حادثه عجیب و حیرت بخشی را تا به امروز هرگز بیاد ندارد.^{۲۶}

انگلیس‌ها هنوز خیال می‌کردند از درباری شرم، از دربار منفور، از دربار دشمن ملت و از یک کانون پلیدی و افتضاح، کاری ساخته است و «فاراری بغداد» برای آخرین نفس خواهد توانست جنبش مردم قهرمان مارادر جلوی پای لردان غارتگر قربانی کند و مزداین خیانت عظیم به منافع واستقلال و آزادی مردم خویش را یک بار دیگر از ایشان بستاند.^{۲۷}

آنچه در فوق نقل شد، بخشی از سرمقاله روزنامه «باخترا مروز» مورخ سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، به قلم شهید دکتر سید حسین فاطمی است. این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد و «خاننی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد». منتشر شد. مطالب مذکور بخوبی نشانگر صراحت و شجاعت واستقلال طلبی و آزادی خواهی و همچنین درک صحیح ساز و کار حکومت و نظام مبعوث و قائم و منکر به مداخلات نامشروع و استعماری اجانب از سوی روزنامه‌نگار، نویسنده و مرد سیاسی جوانی است که در طلوع فصل شکفت، به جرم پراکندن بذر آگاهی و هوشیاری، دفاع از هویت ملی و فرهنگی مردم ایران و آزادی و داد و افشاء سرچشمه‌های فساد و تباہی و عدم تسلیم و تمکین در برابر سیاستهای ضدانسانی و ضد اخلاقی قدرتهای سلطه‌گر خارجی و موتلقین داخلی آن و پس از چندین سال ستیز بی‌امان و هجوم مدام به پایگاههای بومی دشمنان آزادی و مردم زحمتکش می‌هن و تحمل حبسها، آزارها، توطئه‌ها و... در پیگاه بامداد چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۳۲ در میدان تیر زندان لشکر ۲ زرهی باتنی بیمار و زخم‌دار و تبدار، آماج رگبار گلوله‌های هدایت شده از لندن گردید.

سید حسین فاطمی پس از نیمروز عاشورای سال ۱۳۴۰ ه.ق، در خانواده‌ای از عالمان دینی شهر نائین دیده به جهان گشود. تقارن زاد روز اوباشورا، نام «حسین» بر اینجا او سید «علی محمد سیف العلماء» و مادرش دختر خادم العلوم بود.

تحصیلات قدیمه را نزد پدر و سایر افراد خانواده فرا گرفت. برای اخذ دیپلم راهی اصفهان شد. در آن شهر همزمان با تحصیل، اقدام به انتشار مقالاتی در روزنامه «باخت» نمود.

در پی اشغال علی و بی پرده کشور در سوم شهریور ۱۳۲۰ و فرار رضاخان مهره منتخب «سر اردشیر جی ریپورتر» سر جاسوس بریتانیا و برکشیده به قدرت و سلطنت توسط ژنرال «آیرون ساید» و کلنل «اسمایس» و «نورمن» و «اسمیت» و پشتیبانی شده از سوی لژیون اسونی «بیداری ایران». در دو مرحله به منطقه اشغالی قوای انگلیس و انتقال به مستعمرات آن کشور: هند و جزیره موریس، و فروپاشی نظام پلیسی و ایجاد خلاء در صحنه کشور و امکان بروز اعتراض. اگرچه محدود به مظالم و فجایع بیست ساله و سپاسگذاری آژ شهیدان راه استقلال و آزادی، سید حسین فاطمی و چند تن دیگر مجلس بزرگداشت و تجلیل از شهید مدرس در اصفهان برپا کرده و یاد و خاطره او را زنده و با آرمانهای آن سید بزرگوار تجدید میثاق کردند.

رئیس اداره کل شهریانی کشور طی گزارشی به «ذکاء الملک فروغی» نخست وزیر وقت، در این باره چنین می‌نویسد:

«محترماً معروض می‌دارد: طبق گزارش شهریانی اصفهان، ساعت ۹ روز ۲۳ ماه جاری در مسجد نواز طرف حسین فاطمی مدیر روزنامه باخت و اسدالله رسام مدیر پیشین روزنامه قانون و سید شهاب و سید نعمت الله افتخار و سید مهدی صفوی دلال فرش مجلس تذکری برای (مدارس) در گذشته تشکیل و عده‌ای از مردم به مسجد مزبور رفته، از رو سای دوایر دولتی کسی حاضر نشده و ایراد خطابه و ذکر مصیبتی هم به عمل نیامده و مجلس مزبور در ساعت ۱۷ خاتمه یافته است.

رئیس اداره کل شهریانی - سرپاس رادر [محل امضاء]

روزنامه «اطلاعات» مورخ ۲۸ آبان ۱۳۲۰ درباره مجلس مذکور می‌نویسد:

«اصفهان ۲۳ (آبان) به مناسب شهادت مرحوم سید حسن مدرس، امروز پیش از ظهر و بعد از ظهر مجلس ختمی از طرف جمعی از هواخواهان آن سید بزرگوار در مسجد نو برپا و گروه انبوهی از طبقات مختلف مردم در آن حضور یافته و در مراسم سوگواری شرکت نمودند».

تاریخ میهن، نام فاطمی و دیگر کوشندگان این راه در آن روزها در صدر تجلیل

کنندگان از مدرس و ارزشها نی را که او نماینده و پاسدار آن بود، در سینه خود حفظ خواهد کرد.

فاطمی پس از مدتی اقامت در تهران، برای تکمیل تحصیلات راهی اروپا شد و پس از اخذ درجه دکترا در نیمه اول ۱۳۲۷ به ایران بازگشت. در نیمه اول ۱۳۲۸ روزنامه «باخترا مروز» را در تهران بنیاد و منتشر کرد. در اسفند ۱۳۲۸ با تشکیل «جبهه ملی» به آن جریان پیوست.

دکتر فاطمی که از سالها پیش، لب تیز قلمش را متوجه مبارزه و افشاری حاکمیت بیگانگان سلطه گر کشور، و عوامل بومی آنان، و عربان ساختن زشتی‌ها و پلشی‌ها اجتماعی، و گسترش شعور اجتماعی، سیاسی اشار و طبقات مردمی جامعه، و همچین اعتراض به عدم وجود آزادی‌های اجتماعی و سیاسی نموده بود، با انتشار «باخترا مروز» در دوران او ج گیری مبارزات ضد شرکت غاصب نفت جنوب، و رشد جنبش استقلال طلبی و بازیابی هویت اسلامی- ایرانی مردم پنهانی گسترده برای تداوم و تکامل و توسعه مبارزات خود یافت. از آغاز دوران نخست وزیری دکتر مصدق (۱۰/۱۳۳۰)، دکتر فاطمی در پست معاونت سیاسی و پارلمانی نخست وزیر مشغول بکار می‌گردد. قبل این مسئولیت تا ۲۷ آذر همان سال، که دکتر فاطمی برای پیشبرد آرمانهای مقدس و انسانی نهضت، اقدام بشرکت در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی می‌نماید، ادامه دارد.

دشمن که همیشه از رشد روحیه استقلال طلبی، آزادی خواهی، ترقی و رهائی از قیود وابستگی و گسترش فرهنگ ملی مردم کشورهای تحت سلطه در هراس است، در مقطع نهضت ملی ایران، به امید به انفعال کشیدن عناصر و جمعیت‌های صادق و مستقل و بیرون راندن و حذف مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد از صحته حیات اجتماعی و مبارزات سیاسی کشور، جد و جهدهای فراوان و گیناگون از جمله در طریق مشوه جلوه دادن چهره‌های موصوف بکاربرد.

در تعقیب این مشی، جریان مذکور، هنگام انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، برای ممانعت از ورود شهید فاطمی به مجلس دست به تبلیغاتی یازید که شمهای از آن به روایت از خاطرات او در ایام اختفاء در ذیل نقل می‌گردد:

«به بازاری‌ها گفته‌اند که فاطمی برادر همان مصباح فاطمی است که از طرف

انگلیسی‌ها هفت سال حاکم خوزستان بودند. بعلاوه، در «دین» او تردید است. دو سه اعلامیه هم به ضمیمه فحشهای آبدار، از طرف عوامل کمپانی نشر شده است، و این همان حرفهایی است که ضمن اسنادخانه «مدان» از بیوگرافی‌هایی که شرکت نفت... تهیه کرده بود، استخراج نموده‌اند. قسمت خوشمزه بیوگرافی من این بود که پدرم «سیف‌العلماء» لقب داشت و در چند جای این بیوگرافی «چون مجدد از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده بودند... لقب را در ترجمه ثانوی «شمیر‌العلماء» ترجمه کرده بودند و اینکه من هم مانند... بی‌دین و مسیحی و بهائی... از آب درآمد، یکسر اقتباس از آن «بیوگرافی» شرکت نفت بود و البته گمان می‌برند که در موقع انتخابات خوبی بر ضد من خواهد بود». ^(۱)

مساعد نیوتن زمینه برای سپاهی‌های مذکور و پشتیبانی آیة‌الله کاشانی و دکتر مصدق ازا و حق‌شناسی و آگاهی موکلین تهرانی موجب شکست این تبلیغات و انتخاب دکتر فاطمی به نمایندگی مجلس گردید.

اما در همین ایام او هنگام سخنرانی بر مزار «محمد مسعود»، روزنامه‌نگار و نویسنده مقنول، هدف گلوله نوجوان ۱۴-۱۵ ساله‌ای قرار گرفت و به شدت مجروح گردید. دکتر فاطمی در راه بیمارستان هم چنانکه در خون می‌غلطید، ضارب حقیقی خود را معرفی و گفت که آن تیز از ترکش کدامین کماندار شلیک شده است.

ترور دکتر فاطمی موجب ابراز خشم تمامی مبارزین آگاه ضد استعمار و حق طلب گردید. آیة‌الله کاشانی با حضور خود در بیمارستان نجمیه در فردای ترور و عیادت از دکتر فاطمی در ساعت ۷ صبح ۲۷ بهمن ۱۳۳۰ و تکرار این عمل در روزهای ۱۴ اسفند ۳۰ و ۲۹ فروردین ۳۱ و همچنین اظهار مخالفت خود با این گونه اعمال زیان‌بار برای کشور و مردم آن طی یک مصاحبه مطبوعاتی، مخالفت خود را با این عمل اعلام داشت.

به روایت آقای حاج ابوالقاسم رفیعی، مرحوم آیة‌الله سید محمد تقی خوانساری، مرجع متقدی و دارای سوابق درخشان در مبارزه با استعمار انگلیس در بین النہرين و

۱- فرازهایی از زندگی شهد دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه صمدیه، اسفند ۱۳۵۸، صص ۴۶ و ۴۷.

ایران در اعتراض به این حادثه در خطاب به جمعی از بانوان از جمله همسر ایشان فرموده بود: «چرا دکتر فاطمی...؟»

مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی، پدر ضارب که از عالمان دینی عامل و منقی مقیم مشهد مقدس بود نیز با ارسال مکتوبی به دکتر فاطمی و درخواست درج آن در روزنامه «باختر» از جمله نوشت:

«بجدهات زهرا قسم، از آن وقتی که این سانحه ناگوار بوقوع پیوسته، این کمترین در حرم مطهر شفاء آن عنصر پاک را مسئلت می نمایم. امید که حضرت حق جلت عظمت، بواسطه شفاء آن بزرگوار چشمها مارا روشن و عیدی بما عنایت فرماید (باختر امروز، ۱۴ فروردین ۱۳۳۱).

«خلیل طهماسبی» نیز با ارسال مکتوب و سپس انجام مصاحبه‌ای با «باختر امروز» (۱۹ مرداد ۱۳۳۱) عمل ترور دکتر فاطمی را محکوم کرد.

شهید فاطمی در طول اقامت در بیمارستان نجمیه، دوبار مورد سوءقصد قرار گرفت که هر دوبار سوءقصد نافرجام و ناکام ماند.

نوبت اول «مامورین» بخیه‌های موضع عمل را پاره می‌کنند و این عمل منجر به خونریزی گشته، ولی به دلیل اطلاع پرستار، مجددآ جراحی و از خطر نجات می‌یابد. در نوبت دوم، «مامورین» کیسه آب گرم نهاده شده بر موضع عمل را با کیسه محتوی اسید تعویض می‌کنند. این توطئه نیز با آگاهی اطرافیان متوجه نتیجه دلخواه آنان نمی‌شود.

شهید فاطمی پس از آگاهی از پیروزی در انتخابات، از روی تخت بیمارستان نجمیه، یا قلبی مجروح اما اراده‌ای استوار، طی نامه‌ای به فرمانداری تهران، قبولی نمایندگی را بشرح زیر اعلام داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۰/۱۱/۲۷ مورخ

فرمانداری تهران

در پاسخ نامه شماره ۷۷۸۵ مورخ ۳۰/۱۱/۲۷ دائر به قبولی نمایندگی تهران (هفدهمین دوره قانون گذاری) اشعار می‌دارد:

به یاری خداوند متعال و توجه ائمه طاهرين، اين جانب دکتر سيد حسين فاطمي فرزند سيد على محمد (سيف العلماء) دارنده شناسنامه شماره ۱۱۰۳ نائين متولد ۱۲۹۶

شمسی، شغل روزنامه باخترا امروز، بدین وسیله قبولی خود را اعلام و امیدوارم پس از بهبودی، این وظیفه خطیر ملی را بعده بگیرم و در انجام آن ساعی و کوشایاشم.

امضاء دکتر فاطمی^(۱)

عدم توفیق جراحی‌های انجام شده در ایران و تجویز پزشکان برای ادامه معالجه در خارج از کشور و همچنین خطراتی که دکتر فاطمی را در بیمارستان تهدید می‌کرد، موجب سفر او به آلمان در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۳۱ همراه با هیئت ایرانی عازم دادگاه لاهه برای استیفای حقوق ایران و بستری شدن در بیمارستان «الیزابت» هامبورگ گردید.

سوء قصد مذکور موجب شد تا یکی از چهره‌های صمیمی، مبارز و پیگیر نهضت ملی، مدت ۸ ماه از لحظات حساس تاریخ کشور، تحت درمان قرار گرفته و از ایقای نقش در راه رهائی مردم میهن از سلطه جهانخواران و عوامل بومی آنان، آن چنانکه باید، موفق نگردد و در باقیمانده حیات کوتاه ولی پر افتخارش تا شهادت نیز همواره از درد و رنج آن، در عذاب والم باشد.

دکتر فاطمی پس از هشت ماه معالجه و مداوا در ایران و آلمان در ۱۲ مهر ۱۳۳۱ وارد تهران شد. شهید فاطمی به محض اطلاع از اینکه موکلین و علاقمندانش در صدد برگزاری مراسم استقبال از او می‌باشند، دو روز قبل از ورود به تهران، پیام زیر را به وسیله تلفن از شهر «برن» برای مردم ایران فرستاد:

«هموطنان عزیز: مردم رشید و قهرمان پایتخت، موکلین ارجمند و وفادار من! از این راه دور صمیمانه از عنایات و مراحم شما سپاسگزاری نموده و چون روز شنبه به خاک مقدس وطن عزیزم باز می‌گردم، بدینوسیله استدعا دارم هیچ گونه ظاهری به مناسب ورود من از طرف دوستان و آشنایان به عمل نماید، زیرا در این روزهای سوگواری جد بزرگوارم حضرت حسین بن علی علیه السلام در مجالس عزاداری، مرا بیش از پیش رهین عنایات بی کران خود بنمایند.^(۲)

ورود شهید فاطمی به ایران مصادف با تیرگی بیش از پیش روابط ایران و انگلیس در بی کشف توطئه کودتای انگلیسی زاهدی، حجازی، رشیدیانها و ... گردید، و چون

۱- روزنامه باخترا امروز، مورخه ۲۷ بهمن ۱۳۳۰.

۲- (باخترا امروز، مهر ۱۳۳۱).^۳

وزیر امور خارجه وقت (حسین نواب) موافق با قطع روابط با انگلیس نبود، از سوی دکتر مصدق، شهید فاطمی به وزارت خارجه تعیین و قطع روابط ظالماًه واستعماری و نابرابر بین دو کشور توسط آن مبارز ضد استعمار و میهن دوست اعلام گردید.

شهید فاطمی در دوران خدمت در وزارت خارجه تحولات اساسی در جهت گیری سیاست خارجی ایران بوجود آورد. او افزون بر قطع روابط سیاسی با انگلستان و اخراج جاسوسان انگلیسی برای اولین بار در طول روابط دو کشور، به گسترش روابط با کشورهای اسلامی، آسیایی و آفریقائی و پشتیبانی از مبارزات نهضتهای آزادی بخش و... نیز پرداخت.

دکتر فاطمی علیرغم وعده و وعدهای شاه و اربابان خارجی او، نه تنها آلت دست قدرتهای استعماری و دربار برای شکستن عصای ملت نگشتم، و اختلاف سلیقه‌ها و تضارب افکار را تبدیل به منازعه و مقابله ننمود، بلکه تمامی کوشش و جهد خود را برای وحدت هر چه بیشتر نیروهای مبارز به کار برد. او که به عواقب خانمانسوز درگیری و برخوردهای غیر اصولی در سطوح رهبری نهضت و عمق دامنه توطئه‌ها آگاه بود، حداکثر توان خود را در ماههای پایانی سال ۳۱ برای التیام روابط رهبران نهضت به کار برد، اما متأسفانه به دلیل وسعت توطئه‌های نفاق افکنان و... توفیقی حاصل نکرد.

شهید فاطمی در مقام مدیر روزنامه «باخترا مرور» خدمات گرانقدری به کشور و مردم آن و مبارزات استقلال طلبانه خلقهای تحت ستم و سلطه نمود. آیت الله کاشانی به مناسب آغاز چهارمین سال انتشار «باخترا مرور» با ارسال دست خطی به آن روزنامه از جمله چنین نوشت:

«کرار آگفتیم، یکی از وسائل پیشرفت ملی شدن صنعت نفت، روزنامه باخترا مرور بوده، انصافاً در این امر سهمی به سزا از افتخار را دارد، و از این جهت جناب آقای دکتر فاطمی مورد تکریم و احترام هستند. اینک که شروع به سال چهارم انتشار می‌نماید، امیدوارم در اداء خدمت و اصلاحات مملکت ترقی مجاهده نصیب جناب آقای دکتر فاطمی و سایر نویسنده‌گان محترم آن بشود و انشاء الله تعالی آقای دکتر به سلامت قریباً عودت به وطن مأله نموده، چشم دوستان و وطن خواهان را روشن می‌نمایند.»

حجۃ الاسلام دکتر محمد واعظ زاده نیز درباره تأثیر سرمهقاله‌های دکتر فاطمی

دینستان

منتشره در «باخترا مرور» در تفکر و اندیشه شهید مطهری می‌نویسد:

«در این دوران (نهضت ملی)، بخش عمدۀ وقت و فکر او مصروف تحولات سیاسی بود. سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و روزنامه‌هارا دنبال کرد، به سر مقاله‌های «باخترا مرزو» که دکتر فاطمی، وزیر امور خارجه وقت آنها را می‌نوشت، دل‌بسته بود و با دقت، مطالعه و گاهی با دوستانش مباحثه می‌کرد.

در آن روزها، به نظر می‌رسید جان تازه‌ای گرفته است، با این که از لحاظ امور زندگی بسیار عقب بود و حتی هنوز متاهل نشده بود، اما بی‌توجه به همه این امور، حوداث سیاسی را پی‌گیری می‌کرد»^(۱)

دکتر فاطمی در نیمه شب ۲۵ مرداد ۳۲ در پی کودتای عوامل اجنبی به سرکردگی دربار علیه حکومت ملی و قانونی، توسط گارد شاهنشاهی دستگیر و محبوس و تحت نظر قرار گرفت. بدنبال ایستادگی دکتر مصدق و دستگیری نصیری مامور ابلاغ فرمان شاه به نخست وزیر قانونی و شکست کودتا و فرار محمد رضا پهلوی از رامسر به بغداد، دکتر فاطمی همراه با سایر بازداشت شدگان صبح ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ آزاد شد.

پس از آزادی، با حضور در میدان بهارستان و ایراد سخنرانی، به کاخ سعد آباد رفت و به نظارت بر امر لاک و مهر کاخهای سلطنتی پرداخت و سرمهّه «باخترا مرزو» ۲۶ مرداد را با عنوان «خاننی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد». تحریر و ماهیت وابسته و فساد انگیز دربار پهلوی و... را افشا کرد.

دکتر فاطمی بدنبال کودتای آمریکائی- انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲، و شروع فصل نوبنی از کشتار و شکنجه و زندان و خفغان در تاریخ میهن، مخفی و مبارزه با رژیم کودتا و اربابانش را در ابعاد جدیدی ادامه داد، وبالاخره در تاریخ ۲۲ اسفند همان سال، توسط سرگرد مولوی با استفاده از اطلاعات سروان جلیلوند دستگیر گردید.

رژیم وابسته برای تقدیر از نامبردگان، در همان روز مولوی را به درجه سرهنگی، و جلیلوند را درجه سرگردی ارتقا داد.

همانگونه که در سند ۱ ف ۱ و ۳۷۱ ر ۴۵۸۴-۱ (وزارت بریتانیا) مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۳ = ۱۳۳۲ مهر آمده است، اربابان انگلیسی شاه ماهها قبل از دستگیری دکتر فاطمی از «اعدام بی‌رحمانه» بعنوان «بهترین راه حل» برای حذف او یاد کرده‌اند.

پس از دستگیری دکتر فاطمی، تیمور بختیار، نصیری و علوی مقدم عوامل سرکوب رژیم شاه، با طرح نقشه‌ای شیطانی بر آن شدند تا هنگام انتقال از شهریانی به زندان او را به دست شعبان جعفری (معروف به بی‌مخ) و جمعی دیگر از بدکارهای مزدور شاه به شهادت برسانند. اما این نقشه به دلیل فداکاری و از جان گذشتگی خواهر شجاع دکتر فاطمی که خود را بروی بدن برادر افکند، و ضربات کارد و خنجر را بر پیکر خود تحمل نمود، نتوانست از موقیت کامل و مورد نظر رژیم برخوردار گردد.

پس از آن حادثه، دکتر فاطمی به بیمارستان نظامی منتقل، و در شرایطی که از آثار گلوله شلیک شده در ۲۶ بهمن ۳۰، و ضربات کاردهای و خنجرهای وارده توسط شعبان بی‌مخ و همانندهای او در ۲۲ اسفند ۱۳۳۲ رنج می‌برد، و بعضی اوقات فشار خونش به ۶ و ضربان قلبش به ۳۵ می‌رسید، آنچنان که در سند مورخ ۱۹ تیر ۲۳ مشاهده می‌شود، بدستور محمد رضا شاه بازجویی و در بیدادگاهی فرمایشی و سری به دادستانی سرتیپ آزموده معلوم الحال محکوم به اعدام و در پگاه بامداد ۱۹ آبان ۳۳، به دستور مستقیم شاه با پیکری تبدار و بیمار، جسمش آماج گلوله‌های نفتخواران جهان گشته، و خون سرخ و مطهرش بر زمین زندان لشگر زرهی پاشید و روح پاکش در اعلیٰ علیین در جوار رحمت حق در کنار اجداد طاهرینش ماوی گرفت.

گزارش رئیس کل شهریانی به محمد علی فروغی^(۱)
درباره برگزاری مجلس بزرگداشت شهید مدرس توسط دکتر فاطمی
و... در اصفهان

اداره اطلاعات	نشان شیرو خورشید و تاج
دائره دفتر	وزارت کشور
تاریخ	۲۰/۸/۲۸
شماره	۱/۶۱۲۰۷/۴۴۵۷۴
پیوست:.....	

موضوع

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروض می‌دارد طبق گزارش شهریانی اصفهان ساعت ۹ روز ۲۲ ماه جاری در مسجدنو از طرف حسین فاطمی مدیر روزنامه باخترا و اسدالله رسام مدیر پیشین روزنامه قانون و سید شهاب و سید نعمت الله افتخار و سید مهدی صفوی دلال فرش مجلس تذکری برای (مدارس) در گذشته تشکیل و عده‌ای از مردم به مسجد رفته از رؤسا دوایر دولتی کسی حاضر نشده و ایراد خطابه و ذکر مصیبی هم بعمل نیامده و مجلس مزبور در ساعت ۱۷ خاتمه یافته است.

رئیس اداره کل شهریانی-سرپاس-رادسر

[در حاشیه]
۱
۳۶
۶
۱۰۹۶۳

۲۰/۹/۱

سخنان دکتر فاطمی در اجتماع دفاع از کشمیر^(۱)قطعنامه رهبران ملت ایران راجع به حل مسئله کشمیر^(۲)

شب دوشنبه ۲ بهمن ماه ساعت هفت بر حسب دعوت حضرت حجۃ‌الاسلام آقای میر سید علی رضوی (قمی) به منظور بحث در مسئله کشمیر جمع کثیری در منزل معظم له حضور یافتند. پس از تشکیل جلسه آقای سید غلام‌رضا سعیدی با اشاره به نهضت

۱- به نقل از آرشیو اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران (بهارستان).

۲- گذشت زمان نشان داد که شهید فاطمی از سطح گذر کرده و شناخت خود را تعمیق بخوبیده است. عملکرد او در نهضت ملی و سرمهالهای تحریر شده توسط او در «باخترا امروز» نشان می‌دهد که شهید فاطمی به ریشه تنش‌ها و درگیری‌ها و خشونتهای معاصر در شب قاره هند - همچنان که منطقه خاورمیانه -، که همان استعمار خارجی است بی‌برده و دانسته است که تجزیه هندوستان و ایجاد کانون‌های قابل اشتعال چون کشمیر و جامو و لاتحل گذاردن وضع آن کانونها نیز در راستای دائمی ساختن تنش و فقد امنیت از منطقه است. بر اولی الاباب است که خود را زندانی عوارض نسازند و توجه خود را به ریشه‌ها معطوف کنند.

پرداخته اسلامی در شبہ جزیره هند و پاکستان که متنه به تشکیل دولت معظم اسلامی پاکستان گردید و سپس پیش آمد مشکل کشمیر و گرفتاری مسلمین آن سرزمین بیاناتی نمودند و اضافه کردند که چون ملت ایران در همدردی با مسلمین پاکستان پیش قدم بوده است در این موقع که صدای همه ملل اسلامی برای نجات مسلمین کشمیر بلند شده است جادار دکه مسلمین ایران اقدام مؤثری در این باره بنمایند و انجام آن را موقول به تصمیم آفایان زعمای دینی و نمایندگان بازارگانان و اصناف دانستند. سپس آقای فلسفی در اطراف اخوت اسلامی و رابطه خاص بین ملت ایران و پاکستان از جهات معنوی به نحو شایسته‌ای بسط کلام دادند.

در پایان آقای دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختیر امروز درباره اتحاد جهان اسلام و ایقای وظیفه تعاون و همکاری مسلمین با اشاره به مصائب مسلمین کشمیر توضیحاتی دادند.

جلسه بعد از تصویب قطعنامه زیر به اتفاق ساعت ده شب به پایان رسید.

قطعنامه

بسم الله الرحمن الرحيم. در جلسه منعقدة مورخه ۶ جمادی الاولی مطابق ۱۳۲۹ بهمن ماه مرکب از عوم آقایان علماء اعلام و حجج اسلام و مراجع دینی و نمایندگان محافل مذهبی و مدیران جراید مرکز و وجهه بازارگانان و اصناف و نمایندگان سایر طبقات تهران که به منظور اقدام در آزادی مردم کشمیر تشکیل گردیده قطعنامه حاضر به اتفاق آراء صادر گردید:

انتظار ملت مسلمان ایران از جانب آقای انتظام نماینده ایران در سازمان ملل متحد آنست که علاقمندی شدید و احساسات عمیق ملت ایران را نسبت به حل مسئله کشمیر به سمع اعضاء سازمان ملل متحد برسانند و بخواهند که مردم مسلمان کشمیر هر چه زودتر سرنوشت خود را آزادانه تعیین نمایند و ترتیب اخذ آراء عمومی طوری داده شود که از هر جهت بدون هیچ گونه تضییق و محدودیتی مردم کشمیر بتوانند با کمال آزادی آراء خود را اظهار نمایند. ملت ایران تعقیب اجرای این منظور را تا آخرین مرحله از مجلسین سنای شوری و دولت جداً خواستار است.

سید ابوالقاسم کاشانی

الاحقر محمدالموسوی البهانی عفی عنہ

صاحبہ مخبر «روزنامہ خراسان» با حاج شیخ غلامحسین تبریزی^{۱۰}

س- می گویند محمد مهدی ضارب آقای دکتر فاطمی فرزندشما است، آیا صحت دارد؟

ج- محمد مهدی نامی در تهران فرزند من است، من از جریان حادثه روز جمعه و سوءقصد نسبت به آقای دکتر فاطمی اطلاعی نداشت و ندارم ولی عکس ضارب را که در جراید و مجلات دیده‌ام خیلی شبیه بفرزندم محمد مهدی عبد خدائی می‌باشد.

س- چگونه از واقعه سوءقصد نسبت به آقای دکتر فاطمی اطلاع حاصل نمودید یا بوسیله جراید مطلع شدید؟

ج- بار ادیوس و کار ندارم و قبل از این که از جراید کسب اطلاع نمایم صبح روز شنبه هفته گذشته بود که درب منزل را زدند درب را باز نمودند معلوم شد یکنفر از کارمندان شهریانی است گفت بفرمایید: وارد منزل شد و سؤالاتی از من نمود و چون این امر برایم تازگی داشت خیلی متوجه شدم از او سؤال کردم قضیه چیست نامبرده از گفتن حقیقت خودداری نمود چون چندین بار از او تقاضا کردم موضوع را بگوید، گفت: آقای رئیس آگاهی در کوچه هستند خوب است از ایشان سؤال نمائید تقاضا نمودم ایشان بداخل منزل بیایند، پس از آنکه وارد شدند سؤالاتی از من نمودند و در پاسخ تقاضایم گفتند ما اطلاعی از قضیه نداریم دستوری از مرکز برای ما رسیده که درباره محمد مهدی ضارب آقای دکتر فاطمی از شما سؤالاتی بنماییم، بعد رفتند.

شب همان روز موقعی که از حرم مطهر خارج و بقصد آمدن به منزل وارد بست علیا شدم صدای روزنامه فروش‌ها توجهم را جلب کرد که می‌گفتند مجروح شدن آقای دکتر فاطمی به وسیله محمد رضای رفیعی ۱۵ ساله و چون جریان روز و آمدن رئیس آگاهی و

۱- مجله خواندنیها، ش ۵۵، س ۱۲، بنقل از «روزنامه خراسان».

سؤالات آنها مرا مضطرب کرده بود چنین حدس زدم که واقعه مربوط بفرزند اینجانب باشد لذا یک شماره از آن روزنامه را خریده و مطالعه نمودم و هنگامی که چشم بنام ضارب افتاد خیلی خوشحال شدم آنرا بجای محمد مهدی عبد خدائی نوشته بود محمد مرضای رفیعی ضارب دکتر فاطمی است فوراً به منزل آمده و اهل خانه را مژده دادم که متوجه نباشید بحمد اللہ قضیه مربوط به مانیست.

صبح روز بعد که بقصد ادای نماز و زیارت آستان قدس از منزل می خواستم خارج شوم متوجه شدم که موزع روزنامه آورده برداشتم مطالعه کنم ناگاه چشم به عکس ضارب افتاد، لرزه براند ام مستولی گشت زیرا عکس محمد مهدی عبد خدائی فرزند این جانب بود هر طور بود به حرم مشرف شدم و برای بهبودی آقای دکتر فاطمی دعا نمودم.

وقتی به منزل مراجعت کردم کسالتی بمن عارض شد و ناچار درس خود را آن روز تعطیل کردم و در حدود ۲۴ ساعت مريض بودم.

س- چرا محمد مهدی عبد خدائی فرزند شما بتهران رفته است.

ج- برای این که اخلاق او با ناما دریش و برادر و خواهرهای نازنینش منافات داشت و موقعی که در مشهد بود اغلب در اطاقی جداگانه زندگی می کرد و بکار سایر افراد خانواده کاری نداشت.

س- آیا محمد مهدی فرزند شما تحصیل هم نموده بانه؟

ج- محمد مهدی چهار کلاس درس خوانده کلاس اول و دوم را در دارالعلیم دیانت در مشهد خوانده بعد او را بنزد جده اش در تبریز فرستادم یکسال در تبریز بود کلاس سوم راهم آنچا خواند و سپس به مشهد آمد و کلاس چهارم را در مدرسه سپرس خواند و از آن پس ترک تحصیل نمود.

س- چرا از تحصیل کناره گرفت و پس از آن چه کرد.

ج- چند نفر از رفقایش او را وادار به ترک تحصیل نمودند ولی بکار و کسب علاقمند بود لذا موقعی که از مدرسه بیرون آمد بعنوان شاگردی بدکان زرگری آقای حاجی عبدالحسین رفت و در حدود یکسال نزد ایشان شاگرد بود و از دستمزد روزانه اش امرار معاش می کرد و هیچ چیزی نتوان از نزد من با مانع سپرده بود.

در حدود بیست ماه قبل روزی نزد من آمد و گفت چون اخلاق من با شماها سازگار

نیست لذامی خواهم به تهران بروم و کاغذی نوشت که پولی نزد پدر داشتم گرفتم و به کار پدرم کاری ندارم پول را از من گرفت و به تهران آمد.

س- آیا در این مدت که او در تهران بسر میبرده برای شما نامه‌ای می‌نوشته و تقاضائی از شما می‌نموده که با او مساعدت کنید یا خیر؟

ج- تا چندی قبل گاه بگاه نامه‌ای می‌نوشت و متن نامه او عادی و معمولی بوده یعنی فقط تعارفات معمولی و دعا و سلام بوده ولی چندماه است که از ارسال نامه خودداری کرده است و از اطلاعی ندارم و در مورد کمک و مساعدت هم تقاضائی از من نکرده که به او همراهی کنم ولی در همین روزهای اخیر نامه‌ای از پسر بزرگ آقای شیخ محمد تقی عبد خدائی که در قم مشغول به تحصیل می‌باشد دریافت نمودم که ایشان در آن نامه یادآور شده بودند که محمد مهدی برادرم گفته از پدرم خیلی گله دارم زیرا در این مدت که من در تهران هستم حتی یک تکه لباس هم بعنوان یادبود برای من نفرستاده است حال خوبست شما دو عدد پراهن به عنوان عیدی برای او بتهران ارسال دارید.

س- پس از اطلاع حادثه سوء قصد نسبت به آقای دکتر فاطمی شما چه عملی انجام دادید و آیا برای رهائی و استخلاص فرزند خود اقداماتی به عمل خواهید آورد؟

ج- در مرتبه اول بعد از اطلاع از جریان حادثه برای بهبود آقای دکتر فاطمی در حرم مطهر دعا نمودم و سپس تلگرافی بعنوان جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر و آقای دکتر فاطمی مخابره و از انجام عمل وحشیانه اظهار تنفس و انزجار نمودم و پس از آن نامه‌ای بعنوان حضرت آیت الله کاشانی نوشتم مبتقی بر این که این پسر بچه پانزده ساله که روزانه مبلغی ناچیز دست مزد از دکان میخ فروشی دریافت می‌کرده که شاید مخارج روزانه اش را تکافونی نموده چگونه توانسته اسلحه‌ای را که قیمت زیادی دارد بطور قاچاق خریداری کند و در ثانی این طفل در کجا تیراندازی را تمرین نموده زیرا شانه گرفتن کار مشکلی است و دیگر این که استاد او کی بوده پس معلوم است دست مرموزی در کار بوده که از صداقت و بی اطلاعی طفل استفاده کرده و اورا آلت دست و مجری مقاصد شوم خود قرار داده اند. و در آن نامه تقاضانموده‌ام که آیت الله شخصاً از طفل بازجوییهای بنمایند، تا معلوم شود محرک اصلی چه کسی بوده است. ولی برای رهائی و نجات او کاری از من ساخته نیست.

س- نظریه شما درباره دولت جناب آقای دکتر محمد مصدق چیست؟

ج- آقای دکتر محمد مصدق را از نزدیک ندیده‌ام ولی چند نفر از رفقاء صمیعی من که با ایشان تماس داشته و دارند از حسن نیت و دیانت این مرد شریف داستانها گفته‌انداز جمله آقای حاج عباسقلی بازرگان پدر آقای مهندس بازرگان که از مردان بزرگ بشمار می‌رود مطالبی که حاکی از پاکدامنی و بی‌آلایشی جناب ایشان است برای من گفته‌اند بهمین جهت من نیز بنویه خود از طرفداران جدی و علاقمند به دولت جناب ایشان هستم. «روزنامه خراسان»

نامه مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی به شهید دکتر سید حسین فاطمی^(۱)

بابی اباک الطیبین، سلام الله عليهم اجمعین
بجهه‌ات زهرا قسم از آن وقتی که این سانحه ناگوار به وقوع پیوسته، این کمترین از حرم مطهر شفاء آن عنصر پاک را مستلت می‌نمایم. امید که حضرت حق جلت عظمت‌به واسطه شفاء آن بزرگوار چشم‌های ما را روشن و عیدی به ما عنایت فرماید.
بنده هم از محمد مهدی وهم از کردار ناشایست او بی‌زارم. وجود مبارک هرگاه عفو فرمودید، جدت (حضرت فخر کائنا) از وحشی (قاتل حمزه) وابی سفیان و امثال او عفو فرموده، وجود مبارک هم از این عنصر پاک است و اگر مجازات فرمودی، مهدی کار بد کرده، شما عدل نموده‌اید.
به هر تقدیر، امر بر شما مطاع است (وان شست تعفو، وان شست تعدل). چه خوب است که محرکین این بچه نادان معلوم شود، آنها را به جزا اعمال‌شان برسانند، و گرنه بدیهی است که این بدیخت سلاح را از کجا به دست آورده و کی به دست او داده و کی تیراندازی را یادش داده، خداوند به جزا ایشان برساند که این بدیخت را به این کردار شنیع و ادار کردنند.
والسلام عليکم و رحمة الله.

الاحقر غلامحسین تبریزی (مقیم مشهد)

هرگاه صلاح می‌دانید عین این نامه در روزنامه درج شود.

نامه دکتر فاطمی به ریاست مجلس شورای ملی^(۱)

شماره: ۶۳۹

روزنامه باختر

تاریخ: ۲۱/۳/۷

تهران: میدان بهارستان، کوچه نظامیه

پیوست: تصدیق بیمارستان نجمیه

ریاست محترم مجلس شورای ملی

چون عوارض ناشی از سوءقصد بهمن ماه با تمام معالجاتی که در این مدت بعمل آمده بکلی مرتყع نشده است بتصویب و صلاح دید اطباء معالج ناگزیرم چندی در یکی از بیمارستانهای آلمان بستری و خود را معالجه نمایم. علیهذا تقاضا دارم موافقت فرمایند سه ماه مرخصی استعلامی از تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۳۱ به این جانب مرحمت شود تا پس از بهبود کامل توفیق خدمتگزاری حاصل گردد.

تصدیق طبیب به پیوست تقدیم است.

دکتر حسین فاطمی

با تقدیم احترام

[محل امضا]

گواهی پزشک معالج دکتر فاطمی درباره ضرورت عمل جراحی سوم

بیمارستان نجمیه

خیابان شاهپور، یوسف آباد تلفن ۶۴۷۲

گواهی می‌شود که جناب آقای دکتر فاطمی تحت معالجه این جانب بوده و ناحال دو دفعه عمل جراحی شده‌اند، لازم است که یک عمل جراحی دیگر انجام بگیرد. برای این عمل احتیاج به سه ماه استراحت کامل از این تاریخ به بعد دارند.

۲۱/۳/۶

امضاء: یحیی....

مهر بیمارستان نجمیه

تحقیق از همسر دکتر سید حسین فاطمی پس از شکست کودتای انگلیسی - آمریکایی و ارجاعی ۲۵ مرداد ۱۳۴۲^(۱)

در تاریخ ۲۵/۵/۳۲ از بانو فاطمی بازجویی شد
س- هویت خود را بگویید.

ج- پریوش فرزند حسینقلی، شهرت سطوتی، باسودا، ساکن شمیران، خیابان
سعدآباد، منزل آقای دکتر فاطمی، دارای شوهر، اولاد، بدون پیشینه کیفری، مسلمان.

محل امضاء

س- جریان دستگیری دیشب آقای دکتر فاطمی را شرح دهید.

ج- ساعت ۱۱/۵ دیشب من متوجه شدم صدائی می‌آید. من در اطاق خواب
خوابیده بودم. دکتر هم در رو شوئی بودند. من شنیدم دکتر گفت: کیه، کیه؟ بعد آنها گفتند:
درب را باز کن، محاصره شده‌ای. دکتر درب را باز کرد، آمدند بیرون. گفتند: آقای دکتر
شما نترسید، ما شمارانمی‌کشیم. دکتر را برداشتند. البته من ندیدم، فقط حرفاها را شنیدم. من
از دربی که سمت حیاط باز می‌شود رفتم درودیان... را که آنجامی خوابد صدا کردم.
گفتم درودیان! گفت: بله! گفتم: کجا بی؟ تا آمد توی اطاق دیدم از درب دیگر [عده‌ای]
تفنگ و شصت تیر [به دست] در اطاق است، ولی صورتشان را ندیدم و من بلا فاصله
رفتم روی تختخواب نشتم و سریازها که عده‌شان زیاد بود آمدند در اطاق خواب.

البته عده‌ای از آنها می‌آمدند و می‌رفتند و جریان را به هم می‌گفتند و رفتارشان بسیار
بدبود، تا ساعت سه و پاسه و ربع [صبح] بود که... رفت... بعد هم از طرف کلانتری سه
چهار نفر پاسبان آمدند و گفتند ما شنیده‌ایم که دکتر را گرفته‌اند و کودتا شده! [!] گفتم: من
می‌دانم دکتر را گرفته‌اند ولی از کودتا خبر ندارم.

بعد از مدتی یک کاغذ از آقای دکتر آوردند. یک سروان بود و آقای دکتر نوشته بودند
که من سالم هستم و من هم پشت آن کاغذ جواب آقای دکتر را نوشتم.
ضمناً سه دست رختخواب خواسته بودند که نوکریش فرستاد و بعد هم هر دو... به
منزل برگشتند.

س- آیا خسارت هم وارد شد؟

ج- من هیچ اطلاع ندارم. ساعت ۵ که دکتر آمد با ایشان آمدم اینجا و اطلاع
ندارم و دیگر توضیحی ندارم بدهم.

س- اظهارات خود را بخوانید و امضاء کنید.

ج- محل امضاء: سحا.

بازجویی از محمدباقر درودیان مأمور به خدمت در منزل دکتر سید حسین فاطمی^(۱)

در تاریخ ۲۵/۵/۳۲ بنایه دستور دادستان فرمانداری نظامی^(۲) به منزل آقای دکتر
فاطمی وزیر امور خارجه رفت و به شرح زیر از محمدباقر درودیان بازجویی شد.
س- هویت خود را بگویید.

ج- محمدباقر فرزند تقی، شهرت درودیان و جزئی سواد دارم. شغل کارمند جزء
وزارت امور خارجه، فعلًا در منزل وزیر امور خارجه کار می کنم. ساکن تهران،
خرابات، بخشچال صغيرها، منزل سروان محسن درودیان. دارای عیال و اولاد، بدون
امضاء پيشينه كيفری، مسلمان.

س- شما مستلزم و متعهد می شوید که آنچه می گویید حقیقت باشد؟
امضاء

ج- بله.

س- چه اتفاقی افتاد؟

ج- ساعت دوازده و ربع کم همه خواب بودیم و من هنوز خوابم نبرده بود. صدای

۱- همانجا.

۲- آقای دکتر علینقی شایانفر.

پایی بلند شد و من جلوی اطاق آقای وزیر به عنوان مستحفظ می خوابم. تا صدای پا بلند شد و من آمدم به خود بجنیم، دیدم اطراف تخت با اسلحه [عده‌ای] در حال دست فنگ دور تخت را گرفتند. یک نفر تفنگ را گذار در روی سینه بنده، گفت اگر حرف بزنی آتش می کنم. در همین حال خانم آقای وزیر بندۀ را احضار کردند [و گفتند] که بودند؟

[نظمیان] گفتند: اگر حرف بزنی آتش می زنیم.

خانم دو مرتبه صدا زدند: درودیان! صدایی از من بیرون نیامد. بعد یک افسر با یک گروهبان که گروهبان را اگر ببینم می شناسم، شاید هم دو گروهبان باشند، با چرا غ قوه‌ای گذار دند توی صور تم و بندۀ را بلند کردند.

بعد گفتم لباس پوشم؟ گفت: احتیاج به لباس نیست، راه بیفت. در حالت لخت با یک پیراهن پیژامه من را بر دند در کاخ سفید اینجا. آنجا من بودم تا ساعت ۴ بعد از نیمه شب. من فقط این را شنیدم: آقای وزیر در روشی بود، در اطاق خواب نبود. شنیدم که جناب آقای وزیر گفتند: چه خبر است؟ کی است؟ گفتند: تکان نخوردید، آمده‌ایم شما را دستگیر کنیم.

و وقتی رفتم به کاخ، دیدم آقا هم آنجا تشریف دارند و با هم دو دقیقه یک جا بودیم. بعد در اطاق دیگر بر دند که چندین نفر آنجا بودند. یکی آشیز خودمان بود و دونفر با غبان اینجا بودند. یک سروان هم ردیف مال مهندس عشت آباد بود و دو سه نفر آمدند. امضاء چهار نفر دیگر شخصی هم بودند که اسم آنها را نمی دانم.

ساعت ۴ مرا خواستند. آقای وزیر مرا خواستند و مرا با جیپ و مراقب فرستادند اینجا و گروهبان هم که با من بود به او گفتم لباس پوشم، گفت: حق تکان خوردن نداری و برو زود رختخواب بیاور. پس از این که آمدیم رختخواب ببریم، دیدم خانم تنها روی تختخواب نشسته اند و دو سریاز در اطاق خانم بود. بعد اکه ما آمدیم، خیلی شدند و در تمام اطاق ها پر سریاز بود و اطراف حیاط هم بودند، بعد که رختخواب بردیم بالا، آقای وزیر سؤال کردند: کی در آنجا بود؟ گفتم: سریازها، فرمودند: در کجا؟ گفتم: همه جا. بعد سرگردی را خواست، اسمش رانمی دانم، خودش را می شناسم. از ایشان خواهش کردند که زن و بچه من آنجا هول می کنند. قسمت داخلی سریاز را بردارید و اطرافش بگذارید که آنها در زحمت نباشند و وقتی مرا مخصوص کردند با یک گروهبان و سریاز، وقتی به خانه آمدم، سریاز در خانه نبود.

یک نکته فراموش شده و آن عبارت از این است که وقتی جناب آقای وزیر سرگرد را خواست، فرمودند یکی از مهاها را بفرستند نزد خانم شان. بعد آشپز را رها کردند آمد اینجا. دیگر چیزی نیست و ساعت ۵ مرا مرخص کردند.

س- شما از اشخاصی که در اینجا یا در کاخ فعالیت می کردند کدام را می شناسید؟

ج- اینجا یک گروهبان بود و افسر هم بود، ولی نمی گذاشتند ببینم. فقط یک گروهبان را شناختم با یک استوار بادوسر باز که ببینم می شناسم.

س- آنها که آقای وزیر را گرفتند نمی دانید کی بودند؟

امضاء
ج- نخیر، من بیرون بودم.

س- اسمای آنها که در زندان آنجا بودند کی ها بودند؟

ج- جناب آقای وزیر، آقای مهندس زیرک زاده، آقای وزیر راه [مهندس حقشناس]، و رمضان نوکر آقای وزیر. آقای شجاعی با غبان، غلامعلی شاگر با غبان، سروان هم ردیف مهندس عشرت آباد، اسمش رانمی دانم. میرآب و احتساب و یکی هم مال این خانه پائین که سید عباس بود و بعد هم نوکرش را آوردند.

امضاء
س- اظهارات خود را گواهی کنید.

ج- امضاء

گزارش کفیل کنسولگری ایران در بغداد در جواب تلگراف دکتر فاطمی^(۱)

۱۳۳۲/مرداد/۲۷

«حسب الامر برای کسب اطلاع از ملاقات هایی که با شاه در قصر سفید می گردد، سه نفر را مأمور این کار نموده و منجمله شخصاً هم چندبار برای کسب اطلاع از آنجا عبور نموده در ساعت ۱۰ بعد از ظهر دیر و روز اطلاعاتی به شرح زیر حاصل گردید:

۱-...

۲- سفیر امریکا و انگلیس بعد از ظهر ۱۳۳۲/۵/۲۵ با اتومبیلهای مربوطه به قصر ایض آمده و با شاه ملاقات نموده‌اند.

۳-

۴- ساعت پنج و نیم بعد از ظهر ۱۳۳۲/۵/۲۶ یک چمدان و چند بسته در اتومبیل بدون شماره یک درب قصر ایض در انتظار بود گذارده شد. سپس نیم ساعت بعد یک افسر رشید هوایی ایران بالباس یونیفورم به این اتومبیل سوار شده از مسیر کوچه جناح راست قصر ایض روانه گردید.

به نظر بنده محتویات این چمدان و بسته‌ها ممکن است اشیاء نفیسه بود که با مذاکرات روز گذشته به سفارت امریکا کارفته و تحويل شده است ...

کفیل کنسولگری- ابوالقاسم نوائی «

نامه دکتر فاطمی از مخفی‌گاه به نهضت مقاومت ملی ایران^(۱)

۳۲/۱۰/۳۰ پیشگاه مقدس نهضت مقاومت ملی ایران

فرصت را مغتنم شمرده بسی افتخار دارم که بدینوسیله مطالبی را عرض یاران وفادار برسانم.

پس از کودتای خائنانه عمال انگلستان (۲۸ مرداد) که مستقیماً ضربه ناجوانمردانه خود را بر پیکر نهضت ملی ایران وارد ساخت و ارتش شاهنشاهی!! یا جوج آسا بر هوا داران نهضت یورش برد، فدائی نهضت که سه شب پیش از آن مزه با طوم و سرنیزه‌های گارد سلطنتی!! را بخوبی لمس کرده بودم برای گریز از چنگال افعیان درنده بوضعی بسیار خوفناک و به همت عده‌ای از یاران فداکار بحمد حق توانستم جان سالمی را بدربرم.

البته در خلال این مدت دشمنان نهضت و چتر بازان داخلی انگلیس به انواع و اقسام وسائل و تبلیغات زهر آگین از «قبيل فاطمی در دربار است!! در سفارت روس با احیاناً انگلیس است!! فاطمی در منزل میراشرافی است!!» و بسیاری از این قبیل نزهات کوشیده و هنوز هم می‌کوشند که با ایجاد سوء ظن در جبهه نهضت ملی ایران شکاف اندازند.

گرچه مطمئن بوده و هستم که خردمندان و متفکران نهضت هیچگاه به این تشبیبات مذبوحانه و ددمنشانه عمال انگلستان وقوع نخواهند نهاد، اما متأسفانه از تصمیمات نهضت در این روزها چنین احساس می‌شود که عمال اجنبی و ستون پنجم دستگاه کودتا تا حدی بمنظور پلید خود موفق شده که زمینه بدینی را تا حدی در ارکان نهضت پیاشند. مستند این گمان «که امیدوارم انساء الله اینظور بناشد» در درجه اول مندرجات و منشآت!! مدیر موذی و جاسوس مجله فردوسی است که با مأموریت خاص در لباس هاداری از مصدق کبیر، فدائی نهضت را بایاد فحش و ناسزا گرفت و حساب شخصی و مأموریت خود را با استفاده از زمان مساعد تصفیه کرد. باید صراحتاً بعرض نهضت مقاومت ملی بر سانم مدیر فردوسی و مجله او کاملاً انگلیس است و آتوئی است که دولت امپراتوری در مقابل امریکا به زمین زده است و اورا تهدید می‌نماید «مسلمان حوادث آینده این نکته را برباران عزیز روش خواهد کرد» روزنامه‌های دولتی «آتش- فرمان- سیاسی» بدنیال ترهات فردوسی دستورات بخشنامه را برای انتقام از شاگرد و فادر مصدق منتشر کردند و آنچه که شایسته و در خور خود و اربابانشان بود به مانشار کردند. خوشبختانه خادم نهضت نه تنها به یاوه‌گوئی‌های نوکران مارک دار متأثر نمی‌شد بلکه بسیار هم خوشوقت بودم که از جانب چنین عناصر کثیفی مورد حمله قرار گیرم.

تردید و گمان دوم در مورد اعلامیه چاپی نهضت مقاومت ملی و اعلام کاندیداهای مجلس سناست که بی‌اندازه‌مرا متعجب و غرق در حیرت ساخت «در اینجا لازم است توضیحاً بعرض بر سانم که خدای بزرگ وجودان را گواه می‌گیرم که اصلاح‌نظرم بکاندیدا شدن یا نشدن خود نیست. چه نه تنها با سنای فرمایشی مخالفم، اصولاً ننگ دارم با نوکران فراری بغداد در جلسه بنشینم و آنگاه به محمد رضا شاه!! که با زور و پول خارجی سلطتش را بر ملت تحمیل کرداعلام و فادری!! کنم» بلکه تأسف من از این لحظه بود که اولاً در لیست کاندیداهای نام اشخاصی چون شیخ العاقین و امثالهم... بچشم می‌خورد که لابد بزعم نهضت مقاومت از وزیر خارجه دکتر مصدق و سخنگوی دولت ملی مطمئن‌تر تشخیص داده شده‌اند. بعلاوه عجب در این است که افراد و وابستگان به نهضت در پاسخ ایرادات دوستان ارادتمند اظهار داشته‌اند «نبدن فاطمی در لیست بعلت ضد درباری بودن اوست؟؟»

نهضت مقاومت بخوبی توجه فرمایند که مفهوم مخالف این بیان نتیجه خواهد داد که

خدای نخواسته پس «نهضت مقاومت درباری است».

اگر گناه این است فدائی نهضت بسی افتخار دارد که با خاندان ننگین پهلوی هیچ گاه موافقت نداشته و نخواهد داشت و معتقد بوده و هست که تایک تن از این دودمان ننگین در مقام سلطنت باشند غیر ممکن [است] پای استعمار انگلستان از ایران بدر رود. چه اینان پدر بر پدر خانه زاد انگلستان بوده و تا این دست پروردگان سفارت باقی باشند دولت فخمیه احتیاجی به جاسوس و مأموران دیگر نخواهد داشت.

کما اینکه حوادث سالهای اخیر و توطئه های ضد نهضت، روی کار آمدن قوام، توطئه قتل پیشوای (۹) اسفند و کودتا های خاثانه ۲۵ و ۲۸ مرداد کاملاً صدق مدعای فدائی نهضت را روشن ساخته است.

福德ائی نهضت عقیده داشته و دارد که نهضت ملت ایران با وجود دربار پهلوی و مارخش خط و خالی که در رأس قرار دارد هیچ گاه به ثمر نخواهد رسید و وظیفه فرد هواداران نهضت است که با تمام قوا با این کانون فساد که آخرین اتوی امپریالیسم انگلستان است جدا مبارزه کنند.

福德ائی نهضت کمال تشكیر را خواهد داشت که نهضت مقاومت ملی نظر خود را نسبت به سخنگویی دولت پیشوای صریحاً ابراز دارد تا چنانچه اگر واقعاً خدمتگزار مورد اعتماد نهضت می باشد با وصف مشقات و مصائب روحی و جسمی «درد والم شدید معده و روده» با پشت گرمی بخدمت ادامه داده و بار دیگر مبارزه افتخار آمیز خود را از راه باخترا مروز شروع نموده و مطالب روزنامه را هر هفته تهیه و تقدیم داشته تا با وسائلی که نهضت در اختیار دارد بچاپ رساند و چنان که از حیث بودجه مالی نهضت در مضیقه باشد مخارج روزنامه را شیفتگان و وفاداران باخترا مروز تادیه خواهند کرد. اگر هم خدای نخواسته این خادم نهضت مورد اعتماد نیست تا با اعلام وفاداری همیشگی به نهضت ملی ایران و پیشوای کبیر مصدق قهرمان راه اروپا را در پیش گرفته به معالجه خود و دعا گوئی نهضت مشغول گردم.

انتظار دارد که جواب را به همان وسیله که یکی از دوستان قدیکارم به نهضت مقاومت می رساند مرحمت فرمایند. موقع را مغتنم شمرده بار دیگر درود بی پایان خود را به نهضت مقاومت ملی ایران تقدیم می دارم.

دیجیتال
福德ائی نهضت وزیر خارجه - دکتر حسین فاطمی

محل امضاء

مسوده جواب کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی به نامه دکتر فاطمی^(۱)

جناب آقای دکتر فاطمی وزیر محترم خارجه

مرقومه جنابعالی مورد مطالعه قرار گرفت. اینکه اسم شریف جنابعالی جزو کاندیداها ذکر نشده است، به هیچ وجه معلوم نظر تردید آمیز از طرف نهضت درباره جنابعالی نبوده و نبایستی ایجاد ناراحتی در خاطر محترم نماید. این موضوع کاملاً مورد علاقه نهضت بود ولی پس از مطالعه در جهات مختلفه آن با تأسف کامل مناسب دید که صرف نظر نماید، بعلاوه تا موقعی که پیشوازی معظم در دیوان بلخ دفاع از جنابعالی فرمودند احساس می شد که اذهان عمومی در مورد جنابعالی خود را قادر به قضاوت نمی داند.

راجح به موضوع طبع روزنامه از دائره مطبوعات نظر خواسته شدولی مانع ندارد که در حال حاضر با ارسال مقالات و اطلاعات مخصوص که در خلال مدت تصدی اندوخته اید در صورت امکان کمک فرمائید.

کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی

قسمتی از صورت جلسه فرمانداری نظامی تهران و حومه پس از دستگیری دکتر فاطمی^(۲)

شماره: ۲۳۲	نیاشیر و خورشید و تاج	پیوست:
تاریخ:	وزارت دفاع ملی	

۱- همانجا.

دیجیتال

۲- استاد کردنای انگلیسی - آمریکایی و ارجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

صورت جلسه مورخ ۲۳/۱۲/۲۲

در اجرای امریه شماره ۲/۲۸۹۱۸ فرمانداری نظامی کمیسیونی از افسران
امضاء کننده زیر تشکیل و وسائل و مدارک مکشوفه از مخفی گاه دکتر حسین فاطمی
بدست آمده بود بررسی و نتیجه را بشرح زیر عرض می‌رساند.

الف-مدارک-طبق صورت پیوست

در مدارک مربوط به ردیف ۱، صورت مطالب زیر بدست آمد:

۱- در مدت اختفاء شش بار تغییر محل داده که ۳۸ روز اولیه را در یک خانه متعلق به یک نفر تودهای که نصف آن را شخص میزبان در اختیار داشته گذرانیده است. این خانه در روز ۵ شهریور بمنظور کشیدن دیوار و سطخ خانه مدنی در یک زیرزمین که در و پنجره کوچک بخارج داشته و با دو پرده سفید پوشش می‌شده زندگی می‌کرده است. سپس در ظرف ده روز چهار خانه عوض کرده است و در حدود ۱۴ آبان بخانه‌ای که در آنجا دستگیر شده انتقال یافته بود.

۲- در مدت اختفاء ارتباط تلفنی به هیچ وجه نگرفته است.

۳- ارتباط نامه‌ای با عیال و احیاناً با اشخاص دیگر داشته است.

۴- گاهی وسیله اتومبیل گردش می‌کرده و با بعضی اشخاص ارتباط گرفته است.

۵- عیال او بطور نامرتب جواب نامه‌های اورامی داده است.

۶- از نظر مالی در مضيقه بوده است.

ب-فعالیت‌ها:

۱- طبق برگ پیوست ردیف شماره ۶ پیش‌نویس اعلامیه که ظهر آن پیش‌نویس نامه یکی از دوستان خود نوشته و دستورات آن را داده است.

۲- سرمهاله برای ضمیمه با ختر امروز مربوط بجایان قیام ۲۸ مرداد.

۳- پیش‌نویس خطاب به روزنامه کیهان.

۴- شرحی به عنوان روزنامه کیهان باین مضمون که کاندید انتخابات نمی‌باشد.

[متأسفانه ادامه سند در اختیار گردآورنده نیست.]

رونوشت نامه خواهر فداکار دکتر فاطمی به دادستان ارتش^(۱)

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت دفاع ملی

تیمسار دادستان ارتش

محترماً معروض می‌دارد[۱]: پیرو تلگرافی که ساعت ۳ بعدازظهر روز شنبه ۲۲ اسفندماه جاری راجع به توطئه علیه جان برادرم دکتر حسین فاطمی تقدیم گردید، بدین وسیله اشعاری دارد همانطوری که در آن تلگراف خاطرنشان شده بود درست مقارن ساعت ۵/۳ بعدازظهر هنگامی که برادرم از پله‌های شهربانی کل کشور پائین می‌آمد در حضور مأمورین انتظامی مورد هجوم در حدود ۲۰ نفر از چاقوکشان معروف واقع گردید و خود اینجا به نیز در آن هنگام بسختی مضروب و مصدوم شدم، جریان امر کم و بیش در جراحت منعکس گردید.

فعلاً آنطوری که از لحن مطبوعات استنباط می‌شود وضع مزاجی برادرم دکتر فاطمی وخیم است و این مطلب بصراحت در روزنامه‌های کیهان و آتش مندرج گردیده است. اکنون اینجا به عنوان یک خواهر مصدوم و کسی که برادرش را در آستان مرگ می‌بیند از آن مقام عالی استدعا دارم امر و اجازه فرمایند که یک پزشک حاذق و مطلع از وضع مزاجی برادرم در بالین او حاضر نمایم و در این هنگام نوروز که برای همه موسم سرور و شادمانی است یک خانواده منقلب و ناراحت از عذاب و ناراحتی نجات بابند.

با تقدیم احترامات سلطنت فاطمی

رونوشت برابر اصل است.

جواب ریاست ستاد ارتش به نامه ریاست بهداری ارتش^(۲)

نشان شیر و خورشید و تاج

اداره: استاد ارتش

۱- همانجا.

۲- همانجا.

دائره: رکن ۲ شعبه ۷
..... روز وزارت دفاع ملی
شماره:
حرمانه مستقیم
ریاست بهداری ارتش
درباره: بیماری دکتر فاطمی
بازگشت به شماره: ۳۴۰/۶/۱۱/۳۳/۱
مراتب بعرض جناب آقای نخست وزیر رسید فرمودند هر نوع پزشکان مقتضی
می دانند عمل فرمایند تا بمحض این که وضعیت مزاجی وی اجازه داد از نامبرده هر چه
زودتر تحقیقات لازمه معمول گردد.
از طرف رئیس ستاد ارتش سرهنگ [؟]
امضاء

نامه رئیس ستاد ارتش کودتا به دادستان ارتش^(۱)
اداره: ستاد ارتش نشان شیر و خورشید و تاج
دائره: رکن ۱ شعبه ۳
۳۳/۲/۲۷ وزارت دفاع ملی
شماره: ۷۲۳۷
دادستانی ارتش
ستاد ارتش

درباره صورت جلسه پزشکی غیر نظامی زندانی حسین فاطمی
دو برگ صورت جلسه پزشکی درباره غیر نظامی زندانی حسین فاطمی بستری در
بیمارستان شماره ۱ جهت اطلاع و اقدام به پوست ارسال می گردد. ن. ۱

رئیس ستاد ارتش سرلشکر باتمانقلیج
امضاء

[در حاشیه]
۶۱

۷
۳۳/۳/۳ د/۲۲۷۹

نامه رئیس بهداری ارتش به رئیس ستاد ارتش^(۱)

محرمانه مستقیم
خیلی فوری

بهداری ارتش
شماره ۶۴۲۳/۴/۲۶
ریاست ستاد ارتش

درباره معاینه غیر نظامی حسین فاطمی

به موجب دستور تلفن تیمسار وزیر دفاع ملی این جانب به معیت جناب آقای دکتر سعید حکمت رئیس اداره پزشکی قانونی و سرتیپ دکتر نجف زاده پزشک معالج برای معاینه و اخذ تصمیم در مورد زندانی غیر نظامی حسین فاطمی به پادگان قصر رفتیم. نتیجه مشاهدات این بود که زندانی مذکور بمراتب از بد و انتقال به بیمارستان بهبودی یافته و از هر جهت وسائل پزشکی و دارویی برای او فراهم گشته است. وضعیت مزاجی او در حال حاضر نگرانی مهمنی ندارد، ولکن از لحاظ پارهای مسائل غیر پزشکی لازم است مشاراً به یکی از بیمارستانهای ارتش منتقل شود و در همانجا زیر نظر دادستان ارتش قرار گیرد که هر طور مایلند نسبت به او عمل نمایند. مراتب بعرض مقام وزارت رسید. نظر این جانب و آقای دکتر سعید حکمت مورد تائید قرار گرفت و قرار شد زندانی حسین فاطمی به بیمارستان شماره ۲ منتقل شود.

رئیس بهداری ارتش سرلشکر دکتر پارسا

پی‌نوشت تیمسار پاست ستاد ارتش

رکن ۲ دادستان کار خود را بنماید ۱۰/۴

رونوشت برابر اصل است. صیافی

رونوشت نامه رئیس اداره بهداری ارتش به ریاست ستاد ارتش^(۲)

اداره: از بهداری ارتش نشان شیر و خورشید و تاج

دانره ۶ وزارت دفاع ملی ۱۹ روز ۴/۳۳ [۱۳]

۱- همانجا.

۲- همانجا.

شماره: ۷۲۸۹

پیرو نمره ۶۴۲۳ [مورخ ۲/۴/۳۳]

به تیمسار ریاست ستاد ارش

در باره زندانی دکتر حسین فاطمی

۴۰۵۲

بدین وسیله رونوشت گزارش تیمسار سرتیپ دکتر ایادی را با نضمایک
۳۳/۴/۹ برگ رونوشت تلگراف خواهر زندانی یاد شده بالا را به پیوست تقدیم می دارد و بایستی به
عرض برساند که در موقع خارج شدن دکتر حسین فاطمی از بیمارستان شماره ۱
بهبودی حالت مزاجی وی رضایت بخش بوده و در مدت توقف سریاز خانه حالت او
خوب و فعلانیز نگرانی ندارد و علت اعزام مجدد مشارالیه به بیمارستان بیماری یا ترس
از شدت مرض نبوده است. فعلان وضع مزاجی نامبرده در بیمارستان ۲ کریم هدایت
مانع تحقیقات بازپرسی نظامی.

رئيس اداره بهداری ارش سرلشگر دکتر پارسا

رونوشت برابر اصل است استوار یکم [؟]

محل امضاء

ابلاغ دستور شاه به وزیر دفاع توسط سپهبد یزدان پناه ^(۱)
کشف تلگراف سرتیپ ارفع
اسم کشف کننده.....

نشان شیر و خورشید و تاج

تاریخ وصول	وزارت دفاع ملی	از قطار مخصوص
۱۳۳۳/۴/۱۹	ستاد ارش	شماره واردہ ۹۴۵۵
		دان موزات

تیمسار ریاست ستاد ارش - عین ابلاغ تیمسار سپهبد یزدان پناه معروض می گردد.
سرتیپ ارفع

تیمسار سرلشگر هدایت وزیر دفاع ملی
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر فرمودند برای بازجویی از دکتر فاطمی در

بیمارستان هیچ گونه مانع قانونی نمی باشد. بنابراین دستور فرمائید اقدام بازجوئی نامبرده در همان بیمارستان بعمل آید.

ساعت ۱۴ ساعت ۳۳/۴/۱۹ یزدان پناه

[در حاشیه]

عیناً به دادستانی ارتش رجوع بشود. ۳۳/۳/۲۲
تعقیب عرايضاً تلفنی عیناً از ديد مقام وزارت می رساند. ۴/۲۰ امضاء

نامه سرتیپ حسین آزموده به وزیر دفاع^(۱)

نشان شیر و خورشید و تاج

اداره: از ...

روز.....

دائره.....

وزارت دفاع

شماره:

به

درباره:

در مورد تقاضای مزبور بلا فاصله شفاها به رئیس ستاد لشگر ۲ زرهی ابلاغ شد که دستورات مقتضی به بهداری ارتش صادر نمایند و از هر حیث مراقب وضع منهم نامبرده باشند. مراتب نیز به اداره بهداری ارتش اعلام شد.

دادستان ارتش - سرتیپ آزموده. امضاء

۳۳/۴/۱۹

گیرندگان

مقام وزارت دفاع ملی جهت استحضار

قسمتی از گزارش محramانه سرتیپ حسین آزموده به ریاست ستاد ارتش^(۱)

اداره: از دادستانی ارتش نشان شیر و خورشید و تاج
دائره: روز وزارت دفاع ملی
شماره: ۲۴۱۲/د
محramانه مستقیم است ۳۳/۴/۲۰

درباره: غیر نظامی دکتر حسین فاطمی

۱- روز ۱۹ تیرماه جاری آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی تلفوناً به این جانب اعلام فرمودند که: «بقرار اظهارات آقای ارسلان خلعت بری نماینده مجلس شورای ملی حال دکتر حسین فاطمی بسیار و خیم است» و از این جانب پرسش فرمودند که:
«آیا مراتب مورد تائید شما هست یا خیر» این جانب در پاسخ بعرض رسانیدم که:
«حال دکتر حسین فاطمی بهیچ وجه و خامتی ندارد و تقاضا می کنم هر کس مراجعاً نمود مقرر فرمایند به دادستانی ارتش مراجعه کنند تا عند الاقتضاء ترتیبات لازم داده شود»

۲- با استناد شکایات بستگان دکتر حسین فاطمی فعالیت شدیدی می شود که انجام وظیفه بدون شایعه این جانب را نسبت به نامبرده به طور دیگر قلمداد نمایند. از قبیل این که این جانب علی رغم نظریه مقام ریاست مجلس شورای ملی و پزشک قانونی از بستری شدن دکتر حسین فاطمی در بیمارستان جلوگیری می کنم تا در زندان فوت کند که بمحض اطلاعات مؤثر بستگان دکتر حسین فاطمی موفق شده اند ریاست کمیسیون عرايض مجلس شورای ملی (آقای ارسلان خلعت بری) را نیز تحت تأثیر قرار دهند.
در این مورد بعرض می رسانند که فعالیت های مزبور کوچکترین ناثیری در رویه این جانب که جزو رعایت اصول و مقررات چیز دیگری نیست نخواهد داشت.

۳- بعد از ظهر روز ۱۹/۴/۳۳ دکتر حسین فاطمی را ملاقات نمودم و از حاشیان که جویا شدم اظهار داشتند «هر روز صبح پزشک لشکر ۲ زرهی «سرهنگ دکتر تدین» ایشان را عبادت می نماید و هر گاه دستور داده شود عصرها هم مورد عبادت قرار گیرند

سپاسگذار خواهند بود» و اضافه نمودند که:
 «خواهش می‌کنم اگر پزشکان هم دستور دادند که مجدد به بیمارستان بروم این دستور
 اجرانشود زیرا در محل فعلی با راحتی بسر می‌برم»

جواب ریاست ستاد ارتش به سرتیپ آزموده^(۱)

اداره: ستاد ارتش	نشان شیر و خورشید و تاج
دائره رکن ۲ شعبه ۷	وزارت دفاع ملی
..... روز
	شماره ۸۷۹۷
	<u>۳۳/۴/۲۹</u>

به

دادستانی ارتش
 درباره: دکتر حسین فاطمی
 پاسخ شماره ۱۹۱۹/د/۲۶/۴/۳۳ که در تاریخ ۲۸ ماه جاری واصل گردیده در
 این مورد باید طبق نظر پزشکان عمل شود. س

از طرف رئیس ستاد ارتش

امضاء

[در حاشیه]

۲۴۳۱/د

۳۳/۴/۳۱

گزارش شرف‌عرضی سرتیپ آزموده و دستور شاه در حاشیه^(۲)

نشانی شیر و خورشید و تاج
 وزارت دفاع ملی

۱- همانجا.

۲- همانجا.

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

مفتخرا بشر فعرض می رساند نامبر دگان زیر:

۱- دکم حسین فاطمی

۲- دکتر علی شایگان

۳- مهندس احمد رضوی

که به اتهام «سوءقصد به منظور به هم زدن اساس حکومت و تحریض مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت» تحت تعقیب واقع شده و بموجب رای دادگاه عادی متهم ردیف ۱ به «اعدام» و دو نفر نیز به «زندان دائم» محکوم شده بودند پس از ارجاع پرونده به دادگاه تجدید نظر رأی دادگاه در تاریخ ۷/۸/۳۳ مبنی بر محکومیت دکتر حسین فاطمی به «اعدام» و دکتر علی شایگان به «دهسال زندان با کار» و مهندس احمد رضوی به «دهسال زندان با کار» صادر شده است.

با عرض این که دونفر معروض اخیر ضمن دام سی به کرات به تقصیر خود اقرار و اعتراف نموده دادستان ارتش به رأی صادره اعتراضی نماید. دکتر حسین فاطمی و دکتر علی شایگان در خواست رسیدگی فر جامی داشته، مهندس احمد رضوی استدعای بذل عواطف و مراحم شاهانه را نموده است که قانوناً می تواند در ظرف مدت ده روز در خواست رسیدگی فر جامی نماید.

مستند به ماده ۲۶۸ قانون دادرس در کیفر ارتش تصویب استدعای دکتر حسین فاطمی و دکتر علی شایگان منوط به ارائه سینه شاهانه است.

[در حاشیه]

۱۳۳۳/۸/۱۵ از شرف عرض پیشگاه شاهانه گذشت

ضمن عدم تصویب رسیدگی فر جامی مقرر فرمودند تاریخ اجرای رأی دادگاه را نسبت به حسین فاطمی بعداً تعیین خواهند فرمود. [امضاء]

[مجدداً]

تا صدور دستور نزد دادستان محترمانه باشد.

[امضاء]

خاطرات مرحوم آیة الله حاج سید رضا زنجانی درباره شهید دکتر سید حسین فاطمی^(۱)

آقای صدر حاج سید جوادی: بسم الله الرحمن الرحيم
روز سه شنبه ۲۹ شوال المکرم ۱۴۰۳ قمری مطابق با ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۲ هجری
شمسی خدمت حضرت آیت الله زنجانی شرفیاب و تقاضا کردم راجع به مرحوم دکتر
فاطمی چنانچه خاطراتی دارند بفرمایند تا در تاریخ ضبط شود.

آیة الله حاج سید رضا زنجانی: بسم الله الرحمن الرحيم
من با مرحوم دکتر فاطمی در زمان وزارت خارجه اینجا نداشت - اولین برخورد
من با ایشان زمانی بود که در سال ۱۳۳۳ در زمان انتباht بات مجلس سنا، نهضت ملی ۷۵
نفر کاندیداً معرفی کرد.

در یکی از همان روزها در نزدیکی ظهر که به منزل می‌آمد در داخل کوچه جوانی
قدم می‌زد. از من سؤال کرد متزل آقای زنجانی کجا است؟ جواب دادم همینجا. گفت
آقای زنجانی شما هستید؟ گفته بله، پاکتی به دست من داد و زمانی که پاکت را باز کردم
دیدم پاکتی دیگر در داخل آن وجود دارد به نام نهضت مقاومت ملی - آن را در هیئت
مرکزی نهضت مقاومت باز کردیم، آقایان، دوستان و همکاران همه حضور داشتند.

آقای دکتر فاطمی سه موضوع را در نامه ذکر کرده بود که موضوع اول را فراموش
کرده‌ام. دومین که شکایت کرده بود که چرا اسم ایشان در لیست کاندیداها ذکر نشده
است و سوم این که اگر نهضت قادر است ایشان آمادگی دارند روزنامه باخترا امروز را
نوشت و نهضت منتشر کند. در مجمع آقایان که این نامه خوانده شد، ملا یمترین سخن از
مزف آقای بازرگان گفته شد، که گفتند «ولش کنید برود». ولی دکتر اختیار حرفهای
کثیف و فحش‌های رکیک نثار مرحوم دکتر فاطمی کرد. و تصمیم جمع براین شد که به این
نامه جوابی ندهم. ولی من ایستادگی کردم و جواب موکول به نظر من شد. من جواب به
شرح زیر دادم: که مصلحت شمارا در آن تشخیص دادیم که عمل اشما را فراموش کنیم،
ولی روزنامه راه مصدق را داریم و استعداد شر روزنامه دیگری را نداریم. چنانچه از

۱- متن این خاطرات به همت جناب آقای احمد صدر حاج سید جوادی روی نوار ضبط گردید.
و پس از پیاده شدن از ضبط، در اختیار «گردآورنده» قرارداده شده است. باسپاس و تشکر فراوان
از لطف ایشان.

مطلوبی که در زمان نصدی وزارت خارجه ذخیره کرده باشید به ما کمک بنمایید ما منتشر می کنیم. من این جواب را نوشتیم و رابطه ما دیگر قطع شد تا تاریخ ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۳۳.

در آن روز من به امضاء شخصی اعلامیه تعطیل عمومی دادم شهر رامملواز تانک و سرباز کرد و ظهر آن روز مرا پیش [تیمسار] بختیار بردنده، عده‌ای دیگر هم در آنجا بودند. بختیار نیم خیزی بر روی صندلی کرده یکی از اعلامیه‌هایی که در دست داشت نشان داد و گفت این اعلامیه را آقا صادر کرده‌اند؟ گفتم بله. گفت به چه مناسبت؟ جواب دادم فضولی موقوف، امری است قانونی. در مقابل افراد دیگر جمله فضولی موقوف به بختیار برخورد و دستور توقيف مرا داد. مرا به لشکر دوم بردنده، درین راه بندۀ خدایی که یک خربزه و نان سنگک، یک بسته کوچک ماست برای خانه‌اش می‌برد و بعلت این که من تصمیم داشتم غذای زندان را خورم، خواهش کردم آنها را بمن بدهد و پول بگیرد و او آنها را بمن داد ولی پولی نگرفت. من را اول به اطاقی بردنده که در آن یازده نفر از اعضای حزب توده زندانی بودند و ناهار خورده بودند. خربزه را بریده و بنانان سنگک خوردم بعد از آنها خواهش کردم که خربزه ضایع می‌شود میل کنید. گفتند اگر اجازه می‌دهید خربزه را به سلول دیگر بدھیم و دادند. شب را با آنها گذارندیم و روز بعد نزدیک غروب دکتر زندان از من پرسید اگر میل دارید جایتان را تغییر بدھیم؟ جواب دلدم اختیار خود را در خانه گذاشته‌ام و در اینجا اختیاری ندارم، ولی موقعی که بیرون می‌رفت اشاره‌ای کردم و او متوجه شد و مرا به اتاقی دیگر که نسبتاً بزرگ بود که البته فرش هم نداشت ولی موجودی بنام دکتر طباطبائی در آنجا حضور داشت. شب را گذراندم و بعد متوجه شدم که در آن طرف راه را اطاق کوچکی وجود دارد و با یک پرده نازک از راه را جدا شده است که در آن اطاق مرحوم دکتر فاطمی خوابیده بود. شب که شد آن آقا را احضار کردنده و من تنها ماندم و بعد متوجه شدم که خانمی از پشت اطاق مرحوم دکتر در حال رفت و آمد است و برای اونان می‌برد: من آن خانم را صدا کردم و پرسیدم گویا شما وسائل چایی دارید؟ جواب داد بله، گفتم من چایی خور هستم... یک استکان چای درست کنید و بیاورید. او چای را که آورد من متوجه شدم که در آن اطاق دیگر مرحوم دکتر هستند. من از آن خانم خیلی عذرخواهی کردم که موجب زحمت او شده‌ام. او یکباره گفت قربان جدت بروم. من چیزی نگفتم، با تعجب نگاه کردم و گفتم شما مسلمان

هستید؟ گفت بله، گفتم جدا؟ گفت، بله، گفتم، آن جد من نیست جد آن هم هست. در دو راهه جهنم و بهشت قرار گرفته اید مبادا راه جهنم را انتخاب کنید. گفت خدمتگزار آن هم هستم. در این بین اجازه دادند برای من از منزل ناها را آوردند، بین آنها مقداری گوجه درشت بود. من یک نعلبکی از آن خانم گرفته و در یک کاغذ سیگار برای دکتر فاطمی نوشتم: آقای محترم من مدت زیادی اینجا نخواهم ماند، یا تبعید می شوم و یا آزاد. میل دارم ما بین شما و دنیای بیرون رابطه برقرار کنم. چه کسی مورد اعتماد شماست بمن معرفی کنید. آن کاغذ را تا کردم وزیر چند گوجه گذاشته و به آن خانم گفتم ببرد برای آقای دکتر. گفت آقا آن بیچاره نمی تواند چیزی بخورد. هر چه می خورد قی می کند. گفتم خوشحال می شوم این گوجه ها را برای او ببری، برد. چند دقیقه نگذشته بود که دیدم یک کاغذ مچاله شده به پرده اطاق خورد. دکتر مرد هوشیاری بود. من حس کردم این نامه جواب من است. سربازی را هم که در راه و قدم می زد فرستادم دنبال ساقی که مرد خوبی بود، من کاغذ را برداشت. نوشه بود: ۱- دویست تومان پول می خواهم، ۲- من به هیچ کس اعتماد ندارم، ۳- به دوستان بگویید محاکمه من نزدیک است. والسلام.

سعی کردم به فضل خداوند شخصی را یافتیم و آنجا استخدام کردم که همه روزه نامه ایشان را به من برسانند و همچنین نامه من را به ایشان. به این شرط که به خانه من هم نیاید. از آن تاریخ تا آخرین مرحله که نامه آخری ایشان که دو ساعت بعد از شهادت ایشان به دست ما رسید اغلب روزها نامه داشتیم. این نامه ها غالباً روی کاغذ سیگار نوشته شده بود که به شکلی مخفی بشود و پیدا نشود، ولی بعد ها کاغذهای بزرگتر هم فرستاده شد. آن کاغذهای سیگاری قابل عکس برداری نشد ولی مابقی الحمد لله عکس برداری شده حالا هم نسخه هایش موجود است. من نوشتم به ایشان که شما با اعتماد به من به این شخص اعتماد کنید. دویست تومان دادم و نوشتم بعد از این هفتاهی پنجاه تومان به شما خواهد رسید و ماورای آن موكول به درخواست شماست. و شما با اطمینان به این شخص نامه را بدھید. این جریان ادامه یافت تا آخرین مرحله. بعد نامه های بزرگتری هم از ایشان به دست من رسید که مطالب خوبی در آنها مطرح شده بود. در یکی از آنها می نویسد: به وسیله ای از آقای دکتر مصدق سوال شود که وظیفه ما در این محاکمه چیست؟ آیا اینها را به افتضاح بکشانیم یا معتدل عمل کنم. من که هرگز حاضر نیستم به اعتدال رفتار کنم زیرا حساب می کنم اگر چنانچه جان خود را در این حیاه

از دست بدhem در مصرف عقیده خود صرف کردham. این موضوع را در نامه دیگری hem بعد از محکومیت به اعدام به من نوشتند: که الساعه یک ساعت از حکم فرمایشی اعدام می‌گذرد ولی به جدا اطهر تان اگر کوچکترین اثری در روحیه من بخشدید باشد، دوباره در آنجا تکرار می‌کند که چنانچه در این راه از دست بروم دقیقاً در مصرف حقیقی صرف شده است. از آنجا که این آقایان وفات کرده‌اند این را هم عرض می‌کنم که مرحوم دکتر در نامه شکایت کرده است از مرحوم شایگان و مرحوم رضوی. از من در خواست می‌کنند اگر بتوانید از راه خانواده آنها به به اینها تذکر بدهید که پیش هر سریاز گریه نکنند و پیش هر افسر مصدق بزرگ را تخطه ننمایند و من محکوم به اعدام هستم، آنها که بالآخره پس از چندی آزاد خواهند شد چرا نهضت ملتی را به بادمی دهند این هم مضمون یک نامه مرحوم دکتر بود.^(۱) و نامه‌های دیگریست که به تفصیل دیگر نمی‌توانم تعریف کنم ولی بعضی مطالب بر جسته آنها را می‌توانم یادآوری کنم. در یکی از نامه‌هایی که به مرحوم خواهش نوشته بود، من شب آن خانم را خواستم بعلت این که عینک همراه نداشت نامه را برای او خواندم. نوشته بود: خواهر عزیزم، محاکمه من نزدیک است قطعاً احتیاج به پول خواهد شد، من که چیزی ندارم، میل دارم از برادرم مصباح السلطنه تقاضائی نشود، زیرا این برادر در زندگی پیش از سیصد هزار تومان برای من خرج کرده است، دیگر از یک برادر چقدر می‌توان متوقع شد، همینطور میل دارم متعرض پدر زنم نشوید او سریازی پیش نیست و نزدیک به یکسال است که معاش همسر و فرزندم را متكلف شده است. بهتر است به شمشیری و احمد توانگر مراجعه بکنید اگر از آنها هم نتیجه‌ای حاصل نشده برادرم سیف پور بنویسید که از آمریکا بفرستد. اگر آن هم عملی نشده به فلانی مراجعه کنید. خداوند این شخص را در زندان در عوض پدر به من عطا کرده است، من خجلت نمی‌کشم که از ایشان در خواست نمایم. بعد از خواندن نامه دیگر جای آن نبود که من آن خانم را جای دیگری برای طلب پول بفرستم. این بود که گفتم خانم هر چقدر خرج محاکمه باشد بر عهده من ولی اگر بنا باشد که پولی به اشخاص داده باشد من قول

۱- لازم بذکر است که مرحومان دکتر سید علی شایگان و مهندس سید احمد رضوی در دادگان استعمار- شاه ساخته شجاعانه از نهضت ملی ایران و رهبر بزرگ آن زنده باد دکتر محمد مصدق دفاع کردند. گردد آورند

کمک در آن می‌دهم ولی تقبل همه‌اش را نمی‌کنم. زمانی که موقع محاکمه رسید سرهنگ پوراسحاقی بود که با من از زمان پهلوی ارتباط داشت و گاهی هم از من قرض می‌کرد، اورا خواستم و به او گفتم شمارا من گفتم دکتر فاطمی معرفی کند، ولی نه قبول کن و نه رد کن تامن بیسم. به مرحوم دکتر هم این را نوشت. او نوشت من به او اعتماد ندارم ولی شما امر می‌کنید اطاعت می‌کنم. یکروز صبح متوجه شدیم آقای سرهنگ رفته‌اند... و بعد از ظهر متوجه شدیم که یکی از اقوام ایشان که به تهمت تode‌ای زندانی بوده، سرهنگ رفته و با وضع بسیار بدی استغفار داده است که من ننگ دارم برای این شخص... از این طرف هم آن شخص مدافع همین شایگان و رضوی بود در محکمه. برای من محضوری بود و یکی سخت‌ترین روزها گذشت تا نگذارم این اظهارات در اطلاعات منتشر شود. معرفی شد مرحوم سرتیپ قلعه‌ییگی تلفن کردم آمد به آن مرد جلیل و شریف پیشنهاد کردم با کمال اطاعت و با کمال افتخار پذیرفت. گفتم حق الزحمه را شما چکار می‌کنید. خدا شاهد است گفت: همه جا پول؟ من ایرانی نیستم؟ من مسلمان نیستم؟ دیناری نگرفت. بعد ایشان از من درخواست کرد که اتومبیلی در اختیارش قرار دهند که برودم مولکش را ببیند با کمال تأسف در تهران کسی حاضر نشد اتومبیلش را در اختیار او بگذارد و بزور من ۱۰۰۰ تومان در جیش گذاشتم گفتم آقا تاکسی رانگهدار آنجا... بعد با احتمال به اینکه ایشان معلومات قضایی شان ضعیف باشد از آقای شهیدزاده وکیل رسمی عدله درخواست کردم شب آمد آنجا ۵۰۰۰ تومان آماده کرده بودم که به ایشان بدhem به صفت مقدمه و بیانه نه تمام پول که ایشان هم قبول نکرد. این مرد جلیل هم دیناری نگرفت.

آقای صدر حاج سید جوادی:

شهیدی یا شهیدزاده؟ آیة الله زنجانی: شهیدزاده. بعد نوشته‌هایی که در دفاع ایشان نوشته بودند... آنها را هم یک نفر پیدا کردیم و آوردیم در خانه تایپ بکند. یکی از مشکلترین کارها این بود که من برای احتیاط موقعی که تایپ کننده می‌رفت میل داشتم بگویم جیب او را بگردند تا مبادا نسخه‌ای را بیرون ببرد. این را هم به این شکل... خدا آن مرد را رحمت کند. مرد شریفی است. من پیش از این که دولت مصدق ساقط شود، شش یا هفت ماه قبل از آن از بس راجع به ایشان حرفهای مختلفی شنیده بودم من به آقای دکتر مصدق به این شخص پیغام دادم که آن مقدار که انتظار دارید مردم به این شخص [دکتر فاطمی] اعتماد بکنند اظهار اعتماد نمی‌کنند. مرحوم مصدق به من ابلاغ کرد «من کمال

اعتماد را دارم.»

این حکایت آن مرحوم است که بصورت اجمال عرض شد.
آقای صدر حاج سید جوادی: بسیار مشکرم از محبتان.

متن دستخط رهبر نهضت ملی ایران در تجلیل از شهید راه استقلال

اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده باید از آن کسی که
اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی
است که روزی در خانه‌ی جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمدتی نمایندگان
جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آراء تصویب نمودند.

رحمه الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن
بزگوار دیده نشد.

دکتر مصدق



شهید دکتر سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر محمد مصدق
در حرم سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)



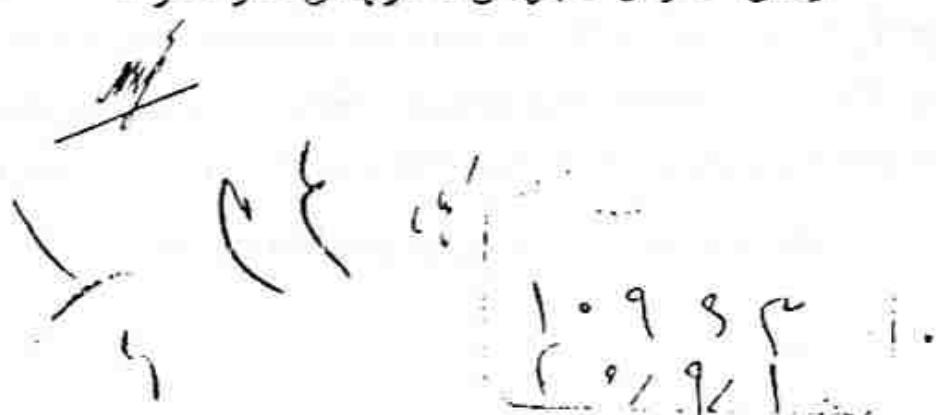
شهید دکتر سید حسین فاطمی پس از دستگیری در اتاق تیمور بختیار
با حضور جمعی از افسران رژیم کودتا

وزارت کشور	اداره اطلاعات
اداره کل شهر بانی	دائره باختن
	تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۲
	شماره ۱۴۰۶۷
	مکالمه شماره ۳
	موضوع

جناب آفای نخست وزیر

محترماً سعادتمند می‌باشد طبق گزارش شهریانی اصفهان ساعت
 ۹ روز ۲۲ ماه حاری در مسجد نو از طرف حسین ناطقی مدیر
 روزنامه باختن و اسدالله رسا مدیریت نیشن روزنامه قانون و -
 سید شهاب و سید نعمت الله افتخار و سید سهدی صفوی دلال
 فریش مجلس را تذکری برای (مدرسان) در گذشته تشکیل و عده از
 مردم بمسجد مزبور فنه از روپا دوایرد ولئن کسی حاضر نشده و
 ابراد خباب و ذکر محییتی هم بعمل نباده و مجلس مزبور در -
 ساعت ۷ آخانه یافته است -

رئیس اداره کل شهریانی - سرتیپ - رادرسر .



۱۰۹۸
۹/۹/۱۳۹۲

قطعنامه و پیمان ملت ایران راجع به حل سلطنه
کتبسر

شنبه دو شنبه ۲۲ بهمن ماه سال هفت بحسب تقویت حجتت حجت الاسلام آقای سید علی زنجیری
(فی) بخطور بحث در سلطنه کتبسر جمیع کتبسری در منزل معظم نه خبر برآوردند . پس از تشكیل جلسه
آقای سید علی زنجیری را آثاره بلهایت برداشت اسلامی در شبه جزیره عنده پاکستان که متعین بتنکیل
دولت معظم اسلامی پاکستان گردید و پس پیش آمد . شکل کتبسر و گرفتاری مسلمین آمریکیین بیاناتی نمودند
و آنها کردند که چون ملت ایران در اندیشه خود پاکستان مسلمین پیش قدم بوده است در این موقع که سلطنه
هم مظل اسلامی برای نجات مسلمین کتبسر بلند شد ، است جا دارد که مسلمین ایران اقدام منسوب در این باو
پیمانند و انتقام آنرا موقبل . تضمیم آذایان زیاد بین پیمانندگان بازگشایان و اصناف داشتند . پس آقای ظلمی
در امارات اخوت اسلامی و رابطه خلیفین ملت ایران و پاکستان از جهات معنوی بنحو شایسته ای سلطنه کلام دادند
در بیان آقای دکتر حسین ناطقی مد بر روزنامه باشتر امروز در باو اتحاد جهان اسلام رایگان و غیره تعازی و
همکاری مسلمین با آثاره بحاب مسلمین کتبسر لوحیانی دادند .
جله بعد از تموییل لعناء زیر باعثی سات در شبیه ایان رسید .

قطعنامه

بسم الله الرحمن الرحيم در مجلس شورای اسلامی «لایق» ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۹ مرسی
از مسم آقایان ملة اسلام و حجج اسلام و مراجع دینی پیمانندگان حمال ذمه و ملت ایران مرکز و پیشوایان را کسان
و اصناف پیمانندگان سایر طبقات تهران که بنشانور اقدام در آزادی مردم کتبسر تشكیل گردیده لعناء حاضر
باهاق آراء صادر گردید :

انتظار ملت اسلام ایران از حناب آقای انتظام پیمانده ایران در سازمان ملل متعدد آست که ملاحت !
شدید و احساسات حیطی ملت ایران را نسبت به حل سلطنه کتبسر بسیع اعیان سازمان مظل شهد بر ساختند
و پیمانند که مردم اسلام کتبسر هرچه زودتر سرنوشت خود را آزادانه تعیین نمایند و تربیت آنها مسوی
اور داده شود که از هرجهت بدون هیچگونه تضییق و محدودیت مردم کتبسر بتوانند با کمال آزادی خود را
اهمان نمایند . ملت ایران تغییر احرار این شکلور را تا آخرین مرحله از مسلمین سنا و شوری و دلتجی داده استاراست .

سید ابوالقاسم کنانی

الحضر محمد الوسوی البیهقی علی عینه

۱۳۷۰ تاریخ درجه شد ۱۸ دی

بیان و موجہ آن، ۱۳۹

دیار آن بیان میراث ملکیتی

ایضاً مکمل این میراث ملکیتی را احراز می‌نمایند
چنان با این میراث ملکیتی که ملکیت ملکیت ملکیت
لهمه اینها فی این میراث ملکیت از این دلایلی مطمئن می‌شوند
ذلك دفعه العاد مکرر داشته باشد و باید این را
فرموده مدارج این اقدام را تصریح نمایند و مذکور

مذکور نیز میراث ملکیت را از
سال ۱۳۷۰
ماه ۱۲ ذکر اول ۱۳۹

ع
ج
خ

.	گیرنده	 وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف					
سال ۱۳۳۰							
شماره کتاب							
وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف							
تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ اصل	تمدّد کلمه	قبض	ماه	سال	به
روز ماه		۱۰/۰۸	تکریف	۱	آگو	۱۳۳۰	
امین حضرت امام رضا (ع) سردار حسن پیر اردیسی ارمون هرودیان حضرت امام رضا (ع) خیس بعیان عالیات اندیشه و ایمت امیر حضرت امام رضا (ع) سردار حسن شرکت رسمی رادیو دارودشت برادر چهارمادن نیست							
با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید چابهار مردان							

تلگراف شهید فاطمی از طرف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی
تبیینات

روزنامه با خبر امروز

هر روز، پیش از میانگین کوچک میباشد.

افتتاحیه	۱۰۰۰
لطف	۱۰۰۰
خود درست	۹۹۹

دد. ۶۳۹
۲۱/۳/۷

پس از این باره، آن بحث

آغاز شد
۲۱/۳/۸



ریاست مجلس: هاشمی



چون خواص ناسی از دندان بهمن ماه پایانی سال اخیر را در تقدیم به عمل آوردند، باکم مراجعت نشده است
بنده بوسیله دید اخلاقی مصالح ناگفته چندی و ریکی از بیمارستانی از این باره بشرور و خود را می‌دانم
نام طبیب از این اداره را موقوفه از بیمارستانی ماه مرسی استخراج از تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۳۱
با این تصریح مدت نهاد نایس از بیرونی کامل توانی خود را کفری حاصل کرد و در دادگاه

نمایه بعلی طبیب بیوست تقدیم است.

با تقدیم احمد رام

دیگر عضو مجلس

در مردم غنیم بگذشت علاوه
ماجره ۲۱/۳/۷

۱۲۲) ۱۳۳۰
۲۱/۳/۸

اور نگاه

ریاست مجلس: هاشمی

در پیش از این ۱۳۳۰
در پیش از این ۱۳۳۰
در پیش از این ۱۳۳۰
در پیش از این ۱۳۳۰

۱۳۳۰) ۱۳۳۰
۱۳۳۰) ۱۳۳۰
۱۳۳۰) ۱۳۳۰
۱۳۳۰) ۱۳۳۰

پیشگاه مندس نهضت مقاومت ملی ایران.

فرست را نشست شد. من آنچه از این که می‌خواستم بله نسایلی را متن بایاران و نادار بر سام

بگذارند تا این عالیات خالی اگذاری (۱۴ مرداد) که سلبی مردم ناچار از آن خود را بر پیکر نهادند. این ایلان، این رئیس و این شاهزاده، با حجم آنها بر هر ایلان نهضت پرداخت بود. نهایت نهضت که سبب بیرون آمدن از آن شده باشد، مرتضیه خان گارد مسلطی «رازی» را که در آن کرد و در آن نیز اگرچه این اطلاع درین دهه بجز ایلان و دیگر عوامل حقیقتی نداشت، با اینکه بایرانیان

آن دستگاه را نهادند و شناخت نهضت و جزو ایلان داشتند. اینکلیس (از اخراج اینها) و مساجد، مبلغات زمزمه‌گنج از این دستگاه

آن دستگاه را نهادند و شناخت نهضت و جزو ایلان داشتند. اینکلیس (از اخراج اینها) و مساجد، مبلغات زمزمه‌گنج از این دستگاه

آن دستگاه را نهادند که با اینجا از اینها می‌شدند و نهضت ملی ایران را که ایلان ایجاد

محروم می‌شدند و همچو که خود ایلان و شکران نهضت همچنانه، این شناخت نهضت ملی ایلان و مبلغات زمزمه‌گنج

ایمان ایلان از این مبلغات نهضت و اینجا از اینها می‌شدند اما این مبلغات که خالی احیان و متنین همچو دنگاه کردن نامور مظلوم بودند

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

نهضت ملی ایلان و شکران نهضت همچنانه، ایمان ایلان از اینها می‌شدند و شکران نهضت همچنانه

و گرگاه و میستند از نصفت بین اینها را در گذاختن تأثیر می‌بینند، سرانجام خواشة و غرایمه داشتند و حضور برده و هست که تمام گشتن از اینی رود است، تاگیم در متاده سالمند باشد و پسگم باشی اینها را بدلند از اینها چندان داشتند و آنها را در اینجا شزاده ایلخانی را در پیش راندند و توانند در نظر اینها بخوبی بینند، میتوانند از اینها دلخواه بخواهند و هستند.

اینها اینکه هر چون می‌دانند این فرآن می‌دانند و هستند، که این کارهای بزرگی را انجام دادند، لذتی پنهانی داشتند و هستند. که وظایا خود را در آنها نداشتند.

آنها اینکه می‌دانند اینها هستند و هستند، و اینها از اینها نمی‌دانند و هستند. می‌دانند اینها هستند و هستند که اینها هستند و هستند. اینها از اینها نمی‌دانند و هستند. که وظایا خود را در آنها نداشتند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند. اینها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

آنها اینکه می‌دانند اگر واچاشنگدازی می‌سرد و امانته و لذتی زرد هر دارند، هستند و هستند.

حای اعای ذکرها طرود مرکله مجرم فارمه

و قوم حبای مور د مظالمه فرار گرفت آنکه اسم سرچ حبای خرد

کاه نید از ذکر نده پس بیکره ملول نظر مردم امیر از طرق نهضت

در باره حبای می سوده و نایس ایما د مظالمه در خاطر مجرم عاد

اس منصوع کا ملا هور د علامه نهضت بود ولی برادر مظالمه در جهان

محمله ای باشد که فرماسد وید که صرف نظر عابد

ما موقعکه بیوای بقطم در دیوان شیخ دفاع از حبای می فرمودند

ای اسر متذکر از یعنی مخصوص در مردم و حبای بمال خود را

فاضی مدارد ق در بیضاوت عنید اند راجیع بوقوع که طبع روشن نهاد

فاضی دامنه رفعی عیت نزد هر زیر است و بخط نزد صاحب کلمه اند

که در حال حاضر با ارسار بیانات و اطلاعات مخصوصی که در قلال

مدت تقدی اند و خته این در صورت امکان

نیزه نزد کریں لاهه مقابو

وزارت افغانستان

بیانیه اطیاف حضرت صاحبین شاهزادگان

دوره اول:

سخنرانی رئیس مجلس شورای اسلامی: میرزا کاظم نیز

۱- آنستیتیویتی مالکی

۲- دکتر علی شاپیگان

۳- مهندس اسد رضوی

که به اینها «سو» عدد بمعظمه هر سه اساس مکونت و تحریض هر چهارم به مطلع شدن بر قصد فدرات سلطنت،
نهاد سقیب رافع نشد و بیویج برای دادگاه عادی متهم رسیده بـ ((آدم)) در وقوع بیکره ((ازداد اثیر))
محکم شده بودند بس از ارجاع بر زندگانی دادگاه تبدیل نظریه ای دادگاه در تاریخ ۲۲/۸/۷
بر حکم دکتر حسینی، ناطقی بـ ((آدم)) و دکتر طبل سایگان بـ ((دھال زندگانی بازار)) مبنیه
رضوی بـ ((دھال زندگانی بازار)) صادر شده است
با مردم اینکه در وقوع بیویج ایشان رضوی دادگاه را اعراض نموده دادگاه سان از شبهه -
را ای دادگاه اعراضی دارم - دکتر حسینی ناطقی و دکتر علی شاپیگان در خواست رسیده ایی مرچانی داشته -
مهند من احمد رضوی، اندیشه ای دلخواهه، و با حم شاهزاده را نموده است که فانوسی بیعتیاند و رطوف مسدت
د میورند خواست رب دادگاه رسماً شاهزاده -

مستند به ماده ۲۶۸ قانون دادرسی دکتر حسینی سوب استادی دکتر حسینی ناطقی و دکتر طبل شاپیگان
سرطیبه اراده سببه شاهزاده است.

که این شرط عرض که میگاه شاهزاده آنها میگیرد که فرمان مورخ ۲۷ آبان ۱۳۴۰ در دادگاه داشته
شناخته شده است

۱۵ آگوست ۱۹۶۲

مذکور شرط تبعیض خود را در دادگاه داشته است



استعمال مشروبات الکل هم از نظر شرع مقدس
وهم از لحاظ عقل سالم مورد تایید است (۱)

امیدوارم باری خداوند و توجهات باطنی
آفایان بینواهان مذهبی در این امر مهم توفيق
حاصل شود.

از طرف نخست وزیر دکتر حسین فاطمی

پاسخ تلگراف آیت الله چهار سوئی از طرف
دکتر مصدق

تاریخ ۳۰/۱۱/۱۴
شماره ۶۴۶۹
بیوست ...

حضرت مستطاب آفای میربد حسن
چهار سوئی مدظلله العالی تلگراف محترم از طرف
میث علمیه اصفهان زیارت ندش

نخستین صورت جلسه بنیانگذاری مسجد هامبورگ با حضور و نظر شهید دکتر سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه حکومت دکتر محمد مصدق

در تاریخ سه شنبه ۲۳ ژوئن ۵۳ مطابق دوم تیرماه ۱۳۳۲ جلسه از آقایان تجار با حضور جناب آقای دکتر فاطمی وزیر محترم خارجه و آقای دکتر آشتیانی تشکیل و نسبت با ساختمان مسجد در شهر هامبورگ مذاکره و طبق نظر جناب آقای دکتر فاطمی موافقت گردید که هیئت ۹ نفری از بین آقایان تجار باسامی زیر انتخاب و نسبت بانجام مقدمات امر اقدام نمایند.

نه نفر مزبور به نام هیأت امناء ساختمان مسجد هامبورگ می‌باشند.

۱- آقای کاشانی ۲- آقای ولادی ۳- آقای باقرزاده ۴- آقای تبرک ۵- آقای خسروشاهی ۶- آقای شجاعی ۷- آقای فیض ۸- آقای دهدشتی ۹- آقای غفاری علاوه بر آقایان فوق الذکر مقرر شد که هیئتی هم از تجار مقیم تهران با استدعای از پیشگاه حضرت آیت الله بروجردی تشکیل گردد که نسبت بانجام امور لازمه و تهیه وسایل و زمینه امر اقدام لازم

در جلسه مذکور نامه که از حضرت آیت الله بروجردی رسیده و مبلغ ده هزار تومان حواله فرموده بودند برای ساختمان قرائت گردید و نامه مزبور ضمیمه این صورت مجلس می‌باشد.

همچنین موافقت گردید که دو نفر دیگر از آقایان تجار حاج محمد نمازی مقیم واشنگتن و میرزا علی اصغر میلانچی مقیم سوئیس عضو افتخاری هیئت بوده و تشریک مساعی نمایند.

امضاءها (:)

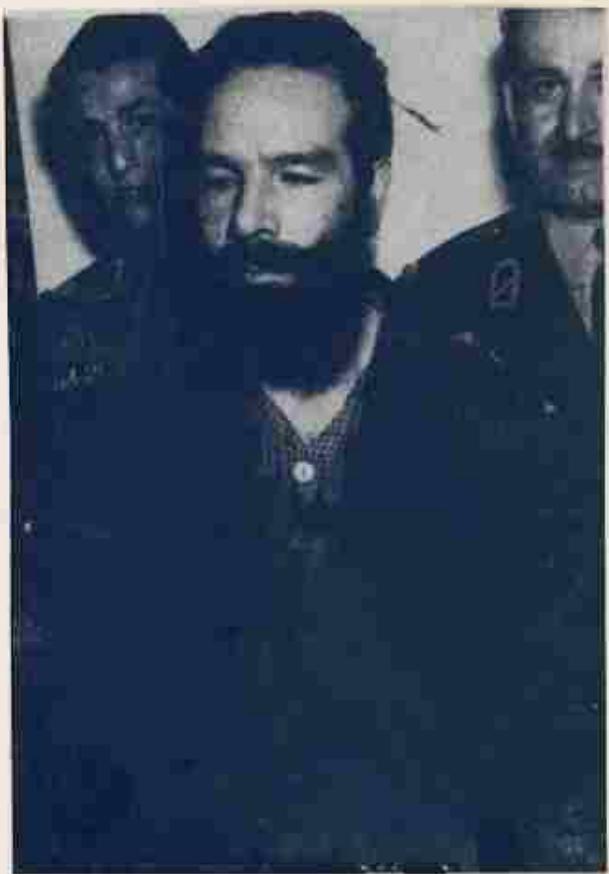
دکتر حسین فاطمی و چهارده امضاء دیگر

برگشته

دسته بیانی سند ۲۲ زردن ۱۳۹۲ مطبوع در آمد، مدت ۱۰:۵۰ صبح کار حسنه جنبه داشتند
وزیر عجم خواجه و روزنامه‌نگاری استاد انتشار نفت بحقوق سیده مریم امیری اف کار و هنر نظر
خواه و مردم، ملی و امنیت کشور را می‌دانند که این ایام از این ایام ایام ایام ایام ایام ایام
بجز این ایام
۱۰:۰۰ رخانی ۰۲-۰۵ مرداد ۱۳۹۲ بازداشت - ۰۲:۰۰ رخانی ۰۵-۰۵ مرداد ۱۳۹۲
۰۰:۰۰ رخانی ۰۷-۰۸ مرداد ۱۳۹۲ رخانی ۰۹-۰۹ مرداد ۱۳۹۲
بعد از ۰۴:۰۰ فوت اندکی پس از زنده بودند این ایام ایام ایام ایام ایام ایام ایام ایام
آیینه ایام
در حسنه ایام
با این ایام
باید این ایام
و این ایام
له بالطفه و نیزه و نیزه

برگشته ۲۲ مرداد ۱۳۹۲

امیری اف
حسنه
خواه
کار و هنر نظر



شهید فاطمی پس از دستگیری (اسفند ۱۳۳۲)

قیمت ۱۸۰۰ ریال